



أساليب فارسية حديثة

بكوّش دكتور/ محمد السبع فاضل حسّانين

كلية الآداب

قسم اللغة الفارسية

الفرقة الثالثة

العام الجامعي

٢٠٢٢/٢٠٢٣ م

گفتن آرزو

وقتی بچه بودم، آرزوهای خیلی عجیبی داشتم. دوست داشتم بعضی چیزها را عوض کنم. مثلاً با خودم می گفتم: «ای کاش من به جای معلم ادبیاتم بودم و او به جای من بود. آن وقت به او می گفتم که باید هر روز شعر حفظ کند». او را مجبور می کردم شعرهای بلند را حفظ کند. همین طور آرزو می کردم از پیمان و محمد بلندقدتر بودم و دیگر از آنها کتک نمیخوردم. گاهی هم فکر می کردم به آینده بروم. با خودم می گفتم: «ای کاش واقعا می توانستم به آینده بروم تا ببینم با چه کسی ازدواج خواهم کرد؟ چند تا بچه دارم و شغلم چیست؟» بعضی وقتها هم از این آرزوهایم خسته میشدم. فکر می کردم بهتر بود یک جادوگر واقعی و بزرگ بودم. هر وقت که دلم می خواست همه چیز را عوض می کردم. روزهای تعطیل هفته را بیشتر می کردم یا هر روز به جای غذاهای مامان، غذاهای رستورانهای مختلف شهر را میخوردم. یک خانه روی درخت می ساختم و با دوستهایم چندین روز آنجا میماندیم، اما این آرزوها فایده ای نداشتند. چون من مجبور بودم همه کارهای روزانه را بدون تغییر انجام دهم.

الآن هنوز هم آرزوهای عجیبی دارم، اما بزرگترین آرزوی من این است که به دوران کودکی ام برگردم و دوباره بچه شوم. حیف که این هم امکان ندارد.

گفتن آرزو

برای گفتن آرزو و خواسته در زمان آینده و گذشته از کلمه های کاش، کاشکی و ای کاش استفاده می کنیم. ۱. موضوع حال و آینده: گذشته ی استمراری یا حال التزامی
نمونه: کاش فردا هوا آفتابی می شد / بشود.

۲. موضوع گذشته: گذشته ی استمراری / گذشته ی دور

نمونه: کاش دیروز بازیکنان در مسابقه نمی باختند / نباخته بودند.

نکته: از گذشته ی التزامی نیز برای گفتن آرزو استفاده می کنیم

نمونه: من می خواهم با استاد حرف بزنم، کاش تا حالا نرفته باشد.

تمرین

الف) در جاهای خالی شکل درست فعلهای داخل پرانتز را بنویسید.

۱. کاش دیروز از آن مغازه (خرید کردن).
۲. کاش امروز همه به مهمانی..... (آمدن).
۳. کاش وقتی بچه بودم، بیشتر (بازی کردن).
۴. کاش وقتی او را می دیدی حقیقت را به او (گفتن).
۵. کاش امشب باران زیادی (باریدن).
۶. هیچ یک از بچه ها قبول نشدند. کاش پدر از شنیدن این خبر
..... (حرص گرفتن).
۷. کاش همهی مردم دنیا در آرامش (زندگی کردن).
۸. کاش ما دوچرخه سواری..... (بلد بودن).
۹. کاش او قبلا سیگار را (ترک کردن).
۱۰. کاش دو سال پیش رشته تحصیلی ام را..... (عوض کردن).
۱۱. کاش آن گلهای زیبا را دیروز (خریدن).
۱۲. کاش شما سال گذشته آن باغ را (دیدن).
۱۳. کاش تو دیشب او را (ناراحت کردن).
۱۴. کاش همیشه همه ی بچه های دنیا شاد (بودن).
۱۵. کاش سال گذشته راحتی و اعتماد کارگران (تأمین شدن).
۱۶. او از اینجا رفته است. کاش تا حالا (آمدن).
۱۷. کاش هفته ی پیش دوستم را به مهمانی (دعوت کردن).
۱۸. بچه ناراحت است. کاش دیشب پرستارش (رفتن).
۱۹. کاش فردا همه در مهمانی (حاضر شدن).
۲۰. من هدیه ها را خریدم. کاش آنها از این هدیه ها (خوش آمدن).

۲۱. کاش فردا همه در مهمانی..... (حاضر شدن).
۲۲. کاش برنامه های فردا به خوبی..... (برگزار شدن).
۲۳. آنها از ما ناراحت شدند. کاش تا حالا از دلشان (در آمدن).
۲۴. کاش دیروز به دوستم ای میل..... (زدن).
۲۵. کاش فردا همه در مهمانی خوش (بودن).
۲۶. ای کاش فردا آنها با خودشان وسایل مسافرت..... (داشتن).
۲۷. تو سرماخورده ای، کاش زودتر خوب (شدن).
۲۸. موبایلم شکست. کاش دیروز آن را خوب (نگه داشتن).
۲۹. مشکل تو بزرگ است. کاش فردا آن را با پدرت..... (در میان گذاشتن).
۳۰. داستانم خیلی غمگین بود، کاش این داستان آنها را..... (به گریه انداختن).
۳۱. او قبلا خوب درس نمی خواند. کاش در امتحان دیروز (قبول شدن).
۳۲. فردا امتحان داریم، کاش همه ی ما..... (قبول شدن).
۳۳. کارگر زود آمد، کاش تا حالا همهی کارها را (انجام دادن).

ب) مانند نمونه تمرین های زیر را انجام دهید.

نمونه: او خیلی خوب اسب سواری می کند.

کاش در مسابقه برنده می شد.

۱. او زبان آلمانی خیلی خوب بلد است.

۲. تو خیلی خوب این شهر را میشناسی.

.....

۳. آنها از این کشور بدشان می آمد.

.....

۴. او مادرش را خیلی دوست دارد.

.....

۵. آنها با هم قهر هستند.

.....

۶. پدرش خیلی خوب آشپزی می کرد.

.....

۷. او با مردم مهربان نبود.

.....

۸. شما خیلی باهوش هستید.

.....

۹. آنها خیلی دیر زبان فارسی را یاد گرفتند.

.....

۱۰. کارگران از کارشان ناراضی هستند.

.....
۱۱ تعطیلات نزدیک است.

.....
۱۲. آلودگی هوا زیاد شده است.

.....
۱۳. ماشینهای جدیدی به بازار آمده اند.

.....
پ) جمله بسازید. ترتیب واژه ها درست است.

۱. خانه/ کوچک /بودن/ کاش/شما/ سال آینده/ یک خانه بزرگ/ خریدن/

.....
۲. پارکینگ / خیلی / دور بودن/ کاش / آنها/ ماشین / همین جا/ پارک کردن/

.....
۳. این شیرینی/ خیلی خوشمزه/ بودن/ کاش / شما/ زیاد/ خریدن/

.....
۴. امتحان/هفتهی قبل/ آسان بودن/ کاش / دانشجویان / بیست / گرفتن /

.....
۵. غذای / این رستوران / بد/ بودن/ای کاش/دیشب/ شما/ آنجا/ غذا گرفتن

.....
۶. کوهنوردها/ دیروز / شهر /ترک کردن/ای کاش / من / آنها/ رفتن /

.....
۷. ترم جدید / نزدیک بودن/ای کاش / من /امتحان/ این ترم/ قبول شدن/

.....
۸. دیشب / بچهها/ بیرون رفتن /ای کاش / تا حالا / بر گشتن /

.....
۹. او/ قبلا / خیلی خوب / آواز خواندن/ کاش / امشب/مهمانی/ او/ آواز خواندن /

.....
۱۰. دو ساعت پیش /ترافیک / سنگین / بودن/ کاش / تا حالا / سبک شدن /

.....
۱۱. دیروز / باران شدیدی / باریدن/ کاش / همه / چتر / برداشتن /

.....
۱۴. دیروز / من / غذا پختن /کاش / دوستم / رستوران / غذا گرفتن /

ت) در جاهای خالی از شکل درست فعل ها استفاده کنید.

به نظر شما بزرگترین آرزوهای هر کسی در هر شغلی چیست؟ مثلاً یک پزشک چه آرزویی..... (داشتن)؟ شاید او با خودش بگوید: «ای کاش..... (توانستن) برای خودم بیمارستانی (ساختن) و رئیس آنجا

(بودن)». شاید هم با خودش می گوید: «ای کاش هیچ مریضی (وجود داشتن) تا من هم شغلم را (عوض کردن)». یا یک رئیس رستوران چه آرزویی دارد؟ شاید او هم با خودش می گوید: «ای کاش من بزرگترین و زیباترین رستوران شهر را..... (داشتن) و افراد زیادی به رستوران من (آمدن)». ای کاش آشپزهای من بهترین آشپزهای دنیا..... (بودن) تا غذاهای رستوران من در سراسر دنیا..... (معروف شدن). به نظر شما افراد دیگر در شغل‌های مختلف چه آرزوهایی دارند؟

حدس بزنید.

۲۰- در متن نمونه فعل هایی که با کاش آمده اند را پیدا کنید و بنویسید.

.....

.....

.....

الف) از حرف مناسب استفاده کنید.

بعد از - به - را - از - با - در - و

"المپیک" بزرگ ترین مسابقه ورزشی در جهان است. این مسابقه ها هر چهار سال یک بار..... جهان انجام می گیرد. در این بازی ها، همه ی کشورها حاضر هستند. ورزشکاران مختلف..... آمادگی های قبلی..... مسابقه ها شرکت می کنند. آنها..... چندین ماه پیش با علاقه و تلاش زیاد خودشان..... برای شرکت..... مسابقه آماده می کنند. در روز مسابقه شرکت کنندگان..... پرچم های خود میدان بزرگ ورزشی، رژه می روند..... تمام شدن مسابقه ها،..... برندگان این مسابقه ها جایزه هایی داده می شود.

.....زمانهای قدیم، گاهی بچه ها..... صبح زود از خواب بیدار می کردند
تا ورزش کنند. آنها اعتقاد داشتند روزی که با ورزش شروع شود، روز
بانشاط..... خوبی است. هنوز هم بسیاری از مردم اعتقاد دارند باید ورزش
در صبح زود انجام بشود.

(ب) شکل درست فعل های داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

۱. شما اصلاً هوای ابری را..... (دوست داشتن)؟
۲. چرا دوست ندارید از پله برقی..... (استفاده کردن)؟
۳. احتمال دارد این سینما تا حالا (تعطیل شدن).
۴. هیچ کس نمیخواهد در یک رستوران شلوغ (غذا خوردن).
۵. قبلاً همه (توانستن) این ورزش ساده را (انجام دادن).
۶. این غذای خوشمزه اصلاً سس (لازم داشتن).
۷. امیدوارم شما همیشه سلامت (بودن).
۸. بچه ها داشتند موسیقی (گوش دادن) برای همین صدای شما را نشنیدند.
۹. کاش دیشب برق (رفتن) وگرنه تا حالا کارهایم (تمام شدن).
۱۰. ما در آینده هم هرگز نام شما را (فراموش کردن).
۱۱. آنها هرگز بدون (صبحانه خوردن) از خانه (خارج شدن).
۱۲. تلویزیون هرگز مثل سینما جالب (بودن).

۱۳. قبلا هر کس که (توانستن)، در این مسابقه (شرکت کردن).
۱۴. شما برای (کار کردن) در این دانشگاه باید مدرک (داشتن).
۱۵. لطفا جواب، نامه ها را زود (دادن).
۱۶. ما الآن داریم (پیاده روی کردن).
۱۷. آقای علوی مجبور است همه نامه ها را (خواندن).
۱۸. شما برای (عبور کردن) از خیابان، نباید (عجله کردن).
۱۹. من هیچ وقت نمی خواهم به این شهر دور افتاده (مسافرت کردن).
۲۰. بهتر است همه همیشه برای (مطالعه کردن) از چراغ مطالعه (استفاده کردن).
۲۱. او دلش برای همسرش تنگ شده بود. داشت برای او (نامه نوشتن).
۲۲. احتمال دارد که او دیشب با این غذا (مسموم شدن).
۲۳. آنها خوششان می آید از این فروشگاه (خرید کردن).
۲۴. دیروز قبل از آمدن او هیچ کس (دانستن) که قرار است او معلم جدید کلاس (شدن).
۴۵. کاش دیروز تمرین هایم را در خانه (جواب دادن).
۲۶. آنها اصلا - (خواستن) قانون جدید را بپذیرند.
۴۷. مدیر تصمیم داشت به کودکان بی سرپرست هدیه (دادن).

ج جمله بسازید. ترتیب واژه ها درست است.

۱. در روزهای آینده/ این باغ گل‌های رنگارنگ / پر شدن /

.....

۲. دیروز / وقتی / باران باریدن/ ما/ رانندگی کردن/

.....

۳ سال گذشته/ همه خواستن / این موزه/ هرچه زودتر /باز شدن /

.....

۴. آنها / قبلا/ دوست داشتن/ بدون /زیاد / درس خواندن/وارد دانشگاه / شدن/

.....

۵. کاش / دولت /همیشه/ روستاها/ توجه کردن /

.....

۶. ما ادیروز / قبل از رفتن شما صاحب خانه /پول / دادن

.....

۷. کاش / سال گذشته / تو /توانستن این کارخانه کار کردن/

.....

۸. کاش امروز بعدازظهر / شما ازودتر / خانه / رسیدن /

.....

۹. ما / شاید / سال آینده / این شهر / درس خواندن /

.....

۱۰. بعضی از اچپهها / کلاس / اصلا دوست داشتن / درس خواندن /

.....

۱۱. همیشه / در گذشته / آنها / توانستن / این مسئله / حل کردن /

.....

۱۲. ای کاش / هفتهی پیش / راندهی بی احتیاط / با سرعت / رانندگی کردن /

.....

۱۳. دیشب / لازم بودن / آنها / دوباره / درس خواندن /

.....

۱۴. پلیس / سعی کردن / نظم شهر / در دست گرفتن /

.....

۱۵. سال گذشته / دانش آموزان روستایی / هر روز / باید / پیاده / مدرسه / رفتن /

.....

۱۶. احتمال داشتن / دیشب / باد شدید / پنجره ها / به هم زدن /

.....

۱۷. در گذشته / پدربزرگ / همیشه / وسایل باغبانی / این مزرعه / استفاده کردن /

.....
۱۸. ممکن بودن/ دیشب / بچه/ صدای بلند / از خواب پریدن /

.....
۱۹. چند سالی بود که / او / این کلبه / دور افتاده / زندگی کردن /

.....
۲۰. چند ساعت است که او / از حال رفتن /

.....
در متن زیر را بخوانید و در جای خالی شکل درست فعلهای داخل پرانتز را بنویسید.

بیشتر از سیصد سال پیش تهران پایتخت ایران شد. در آن زمان، تهران بخشی از شهر ری
.....(بودن)، ولی الآن تهران بزرگ ترین، پر جمعیت ترین شهر ایران و مرکز
سیاست ایران (شدن). حدود ده میلیون نفر در تهران (زندگی
کردن). در طول روز این جمعیت به بیشتر از ده میلیون نفر (رسیدن).
بیشتر مردم تهران، در طول سالیان گذشته به تهران (آمدن). در گوشه و کنار تهران مردمی
را می توانیم (دیدن) که به زبانهای مختلف (صحبت کردن). در
گذشته های دور، همیشه خانه های قدیمی بزرگی را (ساختن) که تا کنون
نیز (باقی ماندن). همچنین در آن زمان در کنار این خانه ها سکوهایی
(ساختن) تا مردم روی آنها (استراحت کردن).

تهران جاهای دیدنی زیادی دارد. در اطراف تهران کوههایی نیز (وجود
داشتن). مردم تهران بعد از یک هفته کار روزانه برای تفریح به دامنه ی آنها می روند.

فعل‌های سببی

اگر تاریخ محصولات غذایی که به مغازه ها فرستاده می شوند، گذشته باشد، فروشنده ها می توانند آنها را به کارخانه بر گردانند. گاهی مردم فراموش می کنند تاریخ روی محصولات را بخوانند. اما اگر بعد از خریدن بفهمند که این محصول تاریخ گذشته است، می توانند آن را به مغازه برگردانند. محصولات غذایی که روی آنها تاریخ ندارد، مناسب و بهداشتی نیستند. بعضی از شرکتها هم برای اینکه با شرکتهای دیگر رقابت کنند، به فروشندگان و مشتری ها اجازه می دهند، اگر از محصولات خوششان نمی آید، آنها را به کارخانه برگردانند. این کار باعث می شود، مشتری ها با اعتماد بیشتری جنس ها را بخرند. زمان زیادی طول کشید که تولید کننده ها به فروشنده ها بقبولانند که پس از فروختن جنسی می توانند آن را پس بگیرند. در واقع تولید کننده ها با این کار مشتریهای زیادی را به سمت خود می کشانند.

فعل های سببی

از بعضی از فعلهای متعدی می توان فعل سببی ساخت، اما همهی فعلهای متعدی، فعل سببی ندارند.

بعضی از فعل های لازم هم فعل سببی دارند.

این فعل ها به این شکل ساخته می شوند.

الگو: ریشهی حال + اندن/انیدن

نمونه: فعل متعدی: خوردن: خور + اندن: خوراندن

فعل لازم: سوختن: سوز + اندن: سوزاندن

نکته: فعلهای سببی همای ساختهای زمانی را قبول می کنند.

نکته: شکل سببی فعل «قبول کردن، به شکل زیر است.

قبول کردن: قبولاندن

تمرین

الف) از دهل های متعددی زیر فعل سببی بسازید و آنها را در جمله ای استفاده کنید

۱. رسیدن

۲. سوختن

۳. فهمیدن

۴. گریستن

۵. قبول کردن

۶. پریدن

۷. خندیدن

۸. چسبیدن

۹. کوبیدن:

۱۰. خوردن

۱۱. پوشیدن:

۱۲. خوابیدن:

۱۳. ترسیدن:

۱۴. رنجیدن:

۱۵. دویدن:

۱۶. کشیدن:.....
۱۷. برگشتن:.....
۱۸. پیچیدن:.....
۱۹. چرخیدن:.....
۲۰. لرزیدن:.....
۲۱. تاختن:.....
۲۲. ترکیدن:.....
۲۳. گذشتن:.....

ب) در جاهای خالی شکل درست فصل های داخل پرانتز را بنویسید.

۱. هفته ی پیش پستی نامه ها را به اداره..... (رساندن).
۲. او نتیجه ی کارش را قبول نداشت، دوستش موضوع را به (قبولاندن).
۳. امروز بچه غذا نمی خورد، مادر غذا را به او (خوراندن).
۴. امشب خیلی سرد است، خودتان را خوب (پوشاندن).
۵. برای گرم کردن خانه می توانید این چوب ها را در شومینه
(سوزاندن).
۶. تخت بچه شکسته است، امشب مادر او را روی زمین خواباندن).
۷. صدای بلند تلویزیون بچه ها را (ترساندن).
۸. امروز بچه ها عروسک هایشان را در نمایش عروسکی (رقصاندن).
۹. همیشه حرف های او من را (رنجاندن).

۱۰. او ریاضی بلد نبود. خیلی طول کشید که من موضوع را به او.....
(فهماندن).
۱۱. معلم ورزش همیشه بچه ها را دور حیاط (دواندن).
۱۲. دو دقیقه پیش صدای بوق ماشین پرنده ها را از حیاط (پراندن).
۱۳. او می گفت وقتی کسی را (خندانن) خودتان هم خوشحال می شوید.
۱۴. دیروز در باغ وحش صدای ترسناک این حیوان بچه را (گریاندن).
۱۵. صندلی سنگین بود، مجبور شدم آن را تا اینجا (کشاندن).
۱۶. دو سال پیش قانون کتابخانه بهتر بود، بعد از یک ماه باید کتاب ها را
(برگرداندن).
۱۷. امروز بچه ها همهی بادکنک های این جشن را (ترکاندن).
۱۸. همه در جشن دیروز پرچم ها را در بالای سرشان (چرخاندن).
۱۹. او معمولاً جهانگردها را سه روز کامل در همه جای شهر
(گرداندن).
۲۰. روز قبل دانشجویان عکس ها را در همه جای دانشگاه (چسباندن).
۲۱. امروز صبح او ناخواسته دستم را (پیچاندن).
۲۲. هر هفته مربی اسبهای باشگاه را در این فضای سبز (تازاندن).
۲۳. قبلاً آنها روزهای سختی را در این شهر (گذراندن).
۲۴. دیشب زلزله به شدت خانه های این منطقه را (لرزاندن).
۲۵. دیشب او عصبانی بود و چند بار دستش را روی میز
(کوباندن).

پ) در جاهای خالی شکل درست فعلهای داخل پرانتز را بنویسید.

مادر ابتدا بچه اش را خواباند. سپس با پتو روی او را (پوشاندن)، او به سختی بچه را (خواباندن). چون بچه دل درد شدیدی داشت و نمی خوابید. گریه های زیاد او خواهر بزرگش را هم..... (گریاندن). هر چه قدر مادر عروسک های بالای تخت را رقصاندن)، او آرام نشده بود.

مادر اکنون داشت با پدر صحبت می کرد. می خواست به او..... (قبولاندن) که باید از این شهر دور افتاده..... (بودن) چون آب آن منطقه تمیز (بودن) وامکانات بهداشتی خوبی هم در آنجا (وجود داشتن). اما..... (فهماندن) این موضوع به پدر خیلی سخت بود. چون پدر به این منطقه (عادت کردن) و دوست نداشت آنجا را (ترک کردن). مادر سعی می کرد او را از نتیجهی بیماری بچه کوچک شان (ترساندن)، اما موفق نمیشد.

ت) در متن نمونه فعل های سببی را پیدا کنید.

.....
.....
.....

فعل‌های غیر شخصی

تهران خیلی شلوغ شده است. باید فکری برای آن کرد. دولت تصمیم گرفته است به کارمندهایی که از شهر تهران خارج می شوند، امکانات خوبی بدهد. این تصمیم را می توان به خوبی انجام داد، اجرای آن برای شهر تهران خوب است. به هر حال، باید کارمندا را تشویق کرد که این کار را انجام بدهند. در شهرستانها می شود امکاناتی مانند تهران به وجود آورد تا مردم در آنجا بمانند و کمتر به تهران بیایند. درباره‌ی این موضوع باید زیاد تحقیق کرد. چون شهر بزرگ تهران، مرکز سیاست، تجارت و ... است. بعضی از مردم شهرهای دیگر دوست دارند در تهران زندگی کنند. از طرفی دانشگاه های زیادی که در تهران هستند، هر سال دانشجویان شهرستانهای مختلف را هم به سمت خود می کشانند. همین موضوع هم باعث مهاجرت افراد مختلف به تهران می شود.

فعل های غیر شخصی (مصدر کوتاه)

به دو سوال زیر پاسخ می دهیم.

الف) فعل‌های غیر شخصی را چگونه می سازیم؟

الگو:

می توان نمی توان

می شود/نمی شود + یشهی گذشتهی فعل اصلی

باید/نباید

ب) از مصدر کوتاه چه وقت استفاده می کنیم؟

وقتی بخواهیم درباره ی موضوعی عمومی، کلی یا مؤدبانه صحبت کنیم، از مصدر کوتاه استفاده می کنیم.

نمونه: موضوع مؤدبانه، می توان از کلاس بیرون رفت؟

موضوع عمومی: اینجا نمی توان سیگار کشید.

نکته: این ساختها «شخص» و «زمان» ندارند و همان طور که از اسمشان معلوم است، غیر شخصی هستند.

تمرین

الف) در جاهای خالی شکل درست فعلهای داخل پرانتز را بنویسید. از فعل های غیر شخصی استفاده کنید.

۱. کار شرکت زیاد است..... کارمند جدید..... (استخدام کردن).
۲. او دقت نمی کند..... با او بیشتر..... (صحبت کردن).
۳. او دارد غرق می شود..... به او..... (کمک کردن).
۴. شما نامه را بد خط نوشته اید..... دوباره..... (نوشتن).
۵. بچه دارد گریه می کند..... به مادرش..... (خبر دادن).
۶. غذای این رستوران خوشمزه نیست..... به رستوران دیگری..... (رفتن).
۷. راننده خسته شده است، نمی تواند در شب رانندگی کند..... شب را در این هتل.....
(گذراندن).
۸. این خاطره شما را ناراحت می کند..... آن را..... (از یاد بردن).
۹. این مشکل خیلی بزرگ است..... آن را با کسی..... (در میان گذاشتن).
۱۰. فردا برنامه هایتان خیلی زیاد هستند..... بعضی از آنها را..... (لغو کردن).
۱۱. این تابلو روی این دیوار زیباتر است..... آن را اینجا..... (چسباندن).
۱۲. کارها خراب شده اند..... آنها را دوباره..... (از سر گرفتن).
۱۳. نامه اشتباه آمده است..... آن را به اداره ی پست..... (برگرداندن).

۱۴. وقت زیادی نداریم. بیشتر از این وقت را (از دست دادن).

۱۵. او مسموم شده است. او را به موقع به بیمارستان (رساندن).

۱۶. غذا بیرون یخچال زود خراب می شود. آن را در یخچال
(گذاشتن).

۱۷. مهمانها دارند می آیند. وسایل اضافی را از اینجا (بر داشتن).

۱۸. اینجا تنها مغازه‌ی این شهر نیست. از جای دیگر (خرید کردن).

۱۹. همه می گویند: «شبها بچه ها را زود (خواباندن).

ب - مانند نمونه جمله های زیر را ادامه دهید

نمونه: امروز رئیسی به کارخانه می آید.

امروز رئیسی به کارخانه می آید، نباید از کارخانه خارج شد.

۱. در کتابخانه بسته است

.....

۲. این غذا فاسد شده است

.....

۳. هوا امروز بسیار خوب است.

.....

۴. از ایران با آلمان راه زیادی است.

.....

۵. من سینما را دوست ندارم.

.....

۶. ژاله اصلاً درس نمی خوانده

.....

۷. اینجا همه چیز گران است

.....

۸. زمان زیادی نداریم. تا امتحان ده روز مانده است.

.....

۹. او پول هایش را گم کرده است.

.....

۱۰. آنها همیشه دیر می آیند. امروز هم دیر می آیند. .

.....

۱۱. او عصبانی شده است.

.....

۱۲. ما از این غذا خسته شده ایم.

.....

۱۳. آنها گلهای سرخ را دوست دارند.

.....

۱۴. دستگاه شارژ شده است.

.....
۱۵. خواندن کتاب تمام شده است.

.....
۱۶. او تصادف کرده است.

.....
۱۷. شما قشنگ ترین نقاشی را کشیده اید.

.....
۱۸. رایانه او خراب شده است.

.....
۱۹. مواد غذایی مان تمام شده است.

.....
۲۰. دلش برای تو تنگ شده است.

.....
۲۱. آنها نشانی را گم کرده اند.

.....
۲۲. شما مدرسه را دوست ندارید.

۲۳. دانشجویان طرح جدید را قبول کردند.

.....

۲۴. رئیس از کارمند جدید راضی است.

.....

۲۵. دوستم این شهر را خوب بلد نیست.

.....

۲۶. این بیمارستان پزشکان خوبی ندارد. .

.....

۲۷. شیرینی های این مغازه بهترین هستند.

.....

۲۸. کتابهای این نمایشگاه عالی هستند.

.....

۲۹. او خیلی با دقت کارهایش را انجام میدهد..

.....

۳۰. او برای فوت خواهرش خیلی ناراحت است.

.....

۳۱. پدر از دست او خیلی عصبانی است. .

.....
۳۲. او یادش رفته است تکلیف هایش را انجام بدهد.

.....
۳۳. او به شدت بیمار است.

.....
پ) در متن نمونه مصدرهای کوتاه را پیدا کنید.
.....
.....
.....

فعل‌های یک شخصه

شش ساعت بود که همه منتظر آمدن قطار بودند و هنوز خبری نبود. این قطار هیچ وقت دیر شونه نمی کرد. یک ساعت اول همه حوصله شان سر رفته بود، ساعت دوم از دیر کردن قطار لجشان گرفته بود و مدام غر می زدند. ساعت سوم گرسنه شان شده بود و دیگر به فکر دیر کردن قطار نبودند. چیزی تهیه کردند و خوردند. ساعت چهارم برای هم قصه‌های مسافرت های قبلی و اتفاق های آنها را تعریف می کردند. بعضی ها از این قصه ها خنده شان می گرفت و بعضی ها حوصله شان سر می رفت. ساعت پنجم عدهای سردشان شده بود. چون کم کم داشت شب میشد. هوای پاییزی سردی بود. بچه ای که در میان مسافران بود، گریه اش گرفته بود. مادرش یادش رفته بود برای بچه لباس گرم بیاورد، اما سختش بود که راه طولانی ایستگاه تا خانه را برود و برگردد. از طرفی هم نگران بود قطار بیاید و او قطار را از دست بدهد. پدر بچه حرصش گرفته بود و مدام غر می زد. بالأخره مأمور ایستگاه آمد و گفت قطار تا یک ساعت دیگر می رسد. ساعت ششم همه خوابشان گرفته بود، اما بالأخره قطار آمد. همه خشکشان زده بود. یک واگن قطار کاملاً خراب شده بود. سنگ هایی که در مسیر راه از بالای کوه روی قطار ریخته شده بودند، آن را خراب کرده بود. مسافران ماتشان برده بود. همه سوار شدند. کسی چیزی نمی گفت.

فعل‌های یک شخصه

فعل‌های یک شخصه فعل‌هایی هستند که در هنگام صرف فعل فقط با یک شخص (سوم شخص) صرف می شوند. در این فعلها فقط نهاد و ضمیر پیوسته عوض میشوند.

ضمیر فاعلی پیوسته به قسمت اول فعل میچسبد و با فاعل مطابقت دارد. این فعلها مفعول ندارند و فقط به شکل سوم شخص استفاده می شوند. در واقع به جای شناسه ضمیر پیوسته مفعولی و اضافی (م، ت، ش، مان، تان، شان) شخص فعل را نشان می دهند.

نکته: این فعل ها همه ی ساخت های زمانی را قبول می کنند.

تعدادی از فعلهای تک شخصه عبارت اند از

خواب بردن-خواب گرفتن – خواب آمدن – خنده گرفتن – یاد رفتن – یاد آمدن – درد
گرفتن-گریه گرفتن- خوش آمدن – ید آمدن – سرد بودن – گرم بودن حیف آمدن- مات
بردن – زور آمدن – سخت بودن – بس بودن. غصه شدن – حرص گرفتن – لج گرفتن –
خشک زدن – دیر شدن... دل گرفتن – دل باز شدن – دل تنگ شدن – غصه گرفتن-
حوصله سر رفتن – گذر افتادن

نمونه: یاد رفتن

ما یادمان رفت

من یادم رفت

شما یادتان رفت

تو یادت رفت

آنها یادشان رفت

او یادش رفت

نکته:

در مورد فعل هایی که حرف آخر قسمت اول آنها «های» غیر ملفوظ است، به جای
ضمیرهای «م، ت،

ش، از ضمیرهای «ام، ات، اش، استفاده می کنیم.

نمونه: گرسنه شدن

گرسنه ام می شود گرسنه مان می شود

گرسنه ات میشود گرسنه تان می شود

گرسنه اش می شود گرسنه شان می شود

نکته:

بعضی از فعل ها دو شکل دارند:

نمونه: گرسنه بودن- تشنه بودن

گرسنه هستم

گرسنه ام است.

تشنه هستم

تشنه ام است.

تمرین

الف) مانند نمونه تمرین های زیر را انجام دهید. برای نوشتن فعلها یا از زمان حال اخباری استفاده کنید یا از زمان گذشتهی ساده

۱. ما/ خواب بردن:
۲. تو/ خواب/ گرفتن:
۳. معلم / خنده گرفتن:
۴. ورزشکاران / درد گرفتن:
۵. من/ خواب آمدن:
۶. تو و او یاد رفتن:
۷. من گریه گرفتن:
۸. بچه اید آمدن:
۹. تو خوش آمدن:
۱۰. من و تو/ سرد شدن:
۱۱. او و دانش آموز / گرم شدن:
۱۲. تو/ مات بردن:
۱۳. تو و استاد گرم شدن:
۱۴. من / حیف آمدن:
۱۵. او/ زور آمدن:
۱۶. ما/ سخت بودن:
۱۷. آنها / دل تنگ شدن:

۱۸. تو / دل گرفتن:

۱۹. شما/ پس بودن:

۲۰. آنها/ غصه شدن:

۲۱. من / حرص گرفتن:

۲۲. تو/ لج گرفتن:

۲۳. او/ خشک زدن:

۲۴. ما/ دیر شدن:

۲۵. شما/ حوصله سر رفتن:

۲۶. ما / دل باز شدن:

۲۷. آنها / دل گرفتن:

۲۸. شما / غصه گرفتن:

ب) مانند نمونه تمرین های زیر را انجام دهید. در جاهای خالی شکل درست فعلهای داخل پرانتز را بنویسید.

نمونه: دیروز شما خیلی.....(گرم بودن).

دیروز شما خیلی گرمتان بود.

۱. او همیشه خیلی دیر.....(خواب بردن).

۲. همیشه مادر از دست بچه اش زود.....(حرص گرفتن).

۳. شما دیروز برای آن اتفاق بد.....(غصه گرفتن).

۴. بچه زمین خورد. او خیلی.....(درد گرفتن).

۵. دیشب آنها (گرم شدن).
۶. معمولاً این بچه خیلی زود (گریه گرفتن).
۷. او دیر بیدار شده است. حتماً (دیر شدن).
۸. شما این غذا را دوست نداشتید. همیشه از این غذا (بد آمدن).
۹. راه دور است. بچه ها (زور آمدن) پیاده بروند.
۱۰. آنها خیلی خسته بودند. زود (خواب گرفتن).
۱۱. آنها می دویدند (دیر شدن).
۱۲. این باغ خیلی زیبا بود. آنها (دل باز شدن).
۱۳. من هر هفته به این کتابخانه (گذر افتادن).
۱۴. این گل هنوز تازه است (حیف آمدن) آن را بیرون بیندازم.
۱۵. بخاری خراب شده بود. همه ی ما (سرد شدن).
۱۶. فیلم خنده دار بود. او (خنده گرفتن).
۱۷. دانش آموز اصلاً درس نمی خواند. معلم خیلی (لج گرفتن).
۱۸. بیرون خیلی سرد بود. آنها (زور آمدن) به بازار بروند.
۱۹. راه خیلی دور بود. من (غصه گرفتن).
۲۰. پدر هر ماه به او پول می داد، اما این پول (بس بودن).
۲۱. دوستانم مسابقه را باختند. همه (غصه گرفتن).
۲۲. او در امتحان رد شده بود. همه (خشک زدن).

۲۳. چند سال است که آنها به کشورشان نرفته اند. آنها خیلی (دل گرفتن).

۲۴. دیروز راننده (خواب آمدن)، اما باز هم رانندگی می کرد.

۲۵. من قبلاً همیشه (یاد رفتن) کامپیوتر اتاقم را خاموش کنم.

۲۶. همیشه خاطرات کودکی ام به خوبی (یاد آمدن)

۲۷. مدتی بود که بیکار بودند. آنها (حوصله سر رفتن).

۲۸. این اتاق خیلی تاریک بود. او (دل گرفتن).

۲۹. ما هر هفته به این بازار (گذر افتادن).

۳۰. این عینک خیلی گران است. شما (حیف آمدن) آن را بخرید.

۳۱. فردا باید در سه امتحان شرکت کنند. دو روز است که آنها (غصه گرفتن).

۳۲. این موزه خیلی زیبا بود. من واقعاً (مات بردن).

پ) جمله بسازید. ترتیب واژه ها درست است.

نمونه: دیروز / من / گرسنه بودن /

دیروز من گرسنه ام بود.

۱. دیشب / آنها / خواب بردن /

.....

۲. دیروز / همه / این موضوع / خنده گرفتن /

.....

۳. دیروز / بچه موقع آمپول زدن / درد گرفتن /

.....
۴. تو /دیروز / موقع فیلم / خواب گرفتن /

.....
۵. د دیروز / آنها/ موقع خداحافظی / گریه گرفتن /

.....
۶. همیشه /همه/ این خانه / خوش آمدن/

.....
۷. معمولاً هیچ کس / حرف او بد آمدن/

.....
۸. همیشه /تو/ این گلها/ خوش آمدن/

.....
۹. دیروز/ او/ آن هوای خنک / . سرد شدن /

.....
۱۰. آنها همیشه این اتاق / گرم ش م شدن/

.....
۱۱. سال گذشته / تو/ حیف آمدن/ این شهر /رفتن /

.....
۱۲. او همیشه / این تابلو / مات بردن /

.....
۱۳. دیروز/ما/ دیدن / این فیلم ترسناک/ گریه گرفتن /

.....
۱۴. شب قبل / آنها/وقتی/ این مجسمه/دیدن/ خنده گرفتن /

.....
۱۵. تو همیشه/دیر / خواب بردن/

.....
۱۶. همیشه بچه ها زودتر / سرد شدن/

.....
۱۷. همیشه / آنها/ دیر / گرسنه شدن/

.....
۱۸. دیروز معلم/ خیلی زود احرص گرفت/

.....
۱۹. همیشه / شما / فیلم های ترسناک/ بد آمدن/

.....
۲۰. تو/ دیشب/ خیلی دیر خواب بردن /

.....
۲۱. آنها هر روز / دل گرفتن /

.....
۲۲. شما همیشه این خانه کوچک/ حوصله سر رفتن /

.....
۲۳. آنها همیشه این خانه/ دل باز شدن /

.....
۲۴. من / این کشور / خانواده ام / دل تنگ شدن –

.....
۲۵. شما همیشه یاد رفتن/ کتابها / آوردن/

۲۶. سه سال است که آنها / دوری مادرشان / غصه گرفتن /

.....

۲۷. دیشب/ شما/ این محله/ گذر افتادن /

.....

۲۸. دیشب همه این مهمانی/ واقعا/ دل باز شدن /

.....

۲۹. امروز / همه / این داستان / خوش آمدن /

.....

ت) در جاهای خالی شکل درست فعلهای داخل پرانتز را بنویسید.

وقتی آدمها بزرگ می شوند، یادشان می رود که یک روزی خودشان هم بچه بودند.

گاهی که (یاد افتادن) که در دوران بچگی چقدر آزاد و شاد بود.....

(دل گرفتن). بعضیها با یادآوری دوران کودکی..... (دل باز شدن) و بعضی

ها به سراغ وسایل کودکی شان می روند و خاطراتشان زنده می شود.

عده ای عادت دارند وسایل قدیمی خود را بیرون بریزند. ولی عده ای هم

(حیف آمدن) این کار را بکنند. دوست دارند گاهی به آنها سر بزنند و به یاد

خاطراتشان..... (افتادن). گاهی یک عکس و یا حتی یک اسباب بازی قدیمی

خاطرات زیادی را (یاد انداختن)، آیا شما هم دوست دارید وسایل

قدیمی خود را نگه دارید؟

۲۱. در متن نمونه فعل های تک شخصه را پیدا کنید.

.....

.....

.....

فعل مجهول

مهمانها وارد شدند. سالن باشکوهی بود، همهی دیوارها با عکسهای جدیدی تزیین شده بودند، روی آنها تاریخ عکسها نوشته شده بود. این عکسها، همگی عکسهای قدیمی ای بودند که تاریخ گذشتهی این شهر را نشان می داد. اولین عکسی که از این شهر گرفته شده بود، اولین عکس روی دیوار بود. مردم به این عکس ها خیلی علاقه نشان دادند. مسؤل جلسه مراقب بود همه چیز به خوبی برگزار شود. چون قرار بود در این جلسه مهمان مهمی سخنرانی کند. این مهمان کسی بود که عکسها و نقاشیهای جدید را به این مؤسسه هدیه کرده بود. این عکسها و نقاشیها یادگاری خانوادگی بودند، اما مهمان جلسه تصمیم گرفته بود آنها را به مؤسسه ای که پدرش آن را تأسیس کرده بود هدیه بدهد. زیباترین نقاشی ای که در میان هدیهها بود، تصویر یک دختر کوچک بود که داشت قالی می بافت، اما متأسفانه روی آن هیچ اسمی نوشته نشده بود. این نقاشی قدیمی بود و کمی رنگ آن رفته بود. با این حال، بیشتر از همهی عکسها و نقاشیها برای مردم جالب بود.

فعل مجهول

به فعلی که فاعل آن مشخص نیست، فعل مجهول می گویند و فعلی که فاعل آن مشخص باشد، فعل معلوم است. در جمله هایی که فعل آنها مجهول است، فعل به مفعول نسبت داده میشود و در واقع نهاد جمله، مفعول است.

نکته:

فعل های لازم، شکل مجهول ندارند، فقط فصل های متعدی شکل مجهول دارند .

به پرسش های زیر پاسخ می دهیم.

الف) چه وقت از ساخت مجهول استفاده می کنیم؟

۱. وقتی نمی خواهیم به فاعل جمله توجه کنیم یا عمداً نمی خواهیم درباره ی آن حرف بزنیم.

۲. وقتی خود فعل مهم تر است.

۳. وقتی می خواهیم مستقیم درباره ی مفعول صحبت کنیم.

۴. وقتی واقعاً فاعل فعل مشخص نیست.

۵. گاهی فاعل جمله، به همراه «به وسیله ی» یا «توسط» به جمله اضافه می شود.

ب) چگونه فعل مجهول را می سازیم؟

الگو: ریشه ی گذشته ی فعل اصلی + ه / ه (صفت مفعولی) + شدن

اکنون طبق الگوی زیر به روش ساخت جمله های مجهول از جمله های معلوم می پردازیم.

۱. فاعل جمله ی معلوم را حذف می کنیم.

۲. مفعول جمله را در اول جمله می نویسیم.

نکته: اگر مفعول همراه «راه است»، «را» حذف می شود، اما اگر مفعول همراه حرف اضافه است. مفعول همراه حرف اضافه اش نوشته می شود.

نمونه: من کتاب را به علی دادم: کتاب به علی داده شد.

او باید به پدرش پاسخ دهد: باید به پدرش پاسخ داده شود.

۳. فعل جمله را مجهول می کنیم (طبق الگوی ارائه شده ی بالا).

۴. برای نوشتن فعل مجهول در جمله ی مجهول به دو نکته ی اساسی توجه می کنیم:

الف) زمان جمله ی مجهول دقیقاً زمان اصلی جمله است.

ب) شناسه ی فعل مجهول از نظر مفرد یا جمع بودن با مفعول (نهاد جدید جمله) مطابقت دارد.

نمونه: او کتابهای زیادی نوشته است.

کتابهای زیادی نوشته شده اند.

نکته:

شکل مجهول فعل «کردن»، «شدن» است و بعضی فعل ها شکل مجهول خاص خود را دارند. مانند: انجام گرفتن: انجام شدن، افزایش یافتن: افزایش دادن، کاهش یافتن: کاهش دادن و ...

نکته:

گاهی فصل های «گردیدن»، «گشتن، نیز به جای شدن، استفاده می شوند.

به نمونه های زیر توجه کنید:

حال اخباری: آنها مدرسه ها را به زودی باز می ک

مدرسه ها به زودی باز می شوند.

گذشته ی ساده یاد برگ های درختان را روی زمین ریخت.

برگ های درختان روی زمین ریخته شدند

گذشته ی نقلی او کتاب های قدیمی را در این اتاق گذاشته است.

کتاب های قدیمی در این اتاق گذاشته شده اند.

من قبلاً مجله های قدیمی را به این اتاق می آوردم.

گذشته ی استمراری

مجله های قدیمی قبلاً به این اتاق آورده می شدند.

گذشته ی دور

تو دوچرخه ها را قبلا از اینجا برده بودی.

دوچرخه ها قبلا از اینجا برده شده بودند.

حال التزامی

استاد باید درسهای جدید را به خوبی توضیح بدهد.

درسهای جدید باید به خوبی توضیح داده بشوند.

گذشته ی التزامی

آنها شاید قبل از آمدن مهمان ها ظرفها را اینجا گذاشته

باشند.

ظرف ها شاید قبل از آمدن مهمانها اینجا گذاشته شده باشند.

آینده

او فردا نامه ها را به نشانی جدید خواهد فرستاد.

نامه ها فردا به نشانی جدید فرستاده خواهند شد.

تمرین

الف) شکل درست مجهول فعلهای داخل پرانتز را بنویسید.

۱. دیروز این آگهی در روزنامه (چاپ کردن).
۲. دو ماه است که استفاده از این نوع ماده‌ی شیمیایی (ممنوع کردن).
۳. هفته‌ی پیش خریدن کتابهای علمی و درسی (انجام دادن).
۴. همیشه در ماه اسفند درختان زیادی (کاشتن).
۵. امسال باید میوه‌های رسیده زودتر (چیدن).
۶. معمولاً غذاهای آماده بیشتر (خوردن).
۷. سالهاست که شیشه‌های این ساختمان (تمیز کردن).
۸. وسایل مسافرتی باید خیلی زودتر (آماده کردن).
۹. خانه‌های قدیمی باید به زودی (بازسازی کردن).
۱۰. شهردار می‌گفت: «قطارهای شهری باید خیلی بیشتر (ساختن).
۱۱. دیشب برای خریدن بلیت رفتم، اما بلیت‌های مسابقه خیلی زودتر (فروختن).
۱۲. قبلاً همیشه موبایل‌ها و وسایل برقی در مقابل در (گرفتن).
۱۳. وسایل اضافی که برای جشن خریده بودم، دیشب به خانه (آوردن).
۱۴. پرندگان زیادی در زمستان گذشته به دلیل آنفولانزا (کشتن).
۱۵. دو روز است که برای شروع سال جدید دیوارهای شهر (رنگ کردن).
۱۶. بچه‌های ممتاز مدرسه هر سال (تشویق کردن).
۱۷. از فردا مغازه‌های جدید (باز کردن).

۱۸. فردا برای باغچه گل‌های جدید (خریدن).
۱۹. بچه‌های این مدرسه فردا به اردوی جدید (فرستادن).
۲۰. این غذای جدید هفته آینده در جشنواره ی غذا (معرفی کردن).

ب) مانند نمونه تمرین‌های زیر را انجام دهید.

نمونه: امسال مدیر مدرسه سالن‌های جدیدی می‌سازد.

امسال سالن‌های جدیدی ساخته میشوند.

۱. همکارم وسایل جدید را به اتاق آورده است.

.....

۲. پدر، دوستان قدیمی مان را به خانه دعوت کرده است.

.....

۳. آنها نامه‌ها را به موقع فرستاده بودند.

.....

۴. ما قبلاً همیشه این غذا را می‌خوردیم.

.....

۵. مدیر شرکت درباره‌ی کار به کارمند جدید توضیح داد.

.....

۶. قبلاً در این مدرسه دانش‌آموزان خوب را تشویق می‌کردند.

.....

۷. بچه‌های این کلاس تمرین‌ها را خیلی خوب جواب می‌دهند.

.....

۸. دانشگاه، هفته ی آینده کلاس های درس عمومی را در این مرکز برگزار خواهد کرد.

.....

۹. شما از دیروز تا حالا روزنامه ها را خوانده اید؟

.....

۱۰. از دیشب تا حالا بارندگی زیاد شهر را تمیز کرده است.

.....

۱۱. دود کارخانه ها محصولات کشاورزی اطراف را آلوده کرده است.

.....

۱۲. پلیس، رانندگانی را که با سرعت می رفتند، جریمه کرده است.

.....

۱۳. آنها پول زیادی را به من برگردانده اند.

.....

۱۴. کلاه بردارها باید درباره ی دزدی دیشب به پلیس پاسخ دهند.

.....

۱۵. آنها این رشته ی جدید را باید در دانشگاه تدریس کنند.

.....

۱۶. ما کارآموزان این دوره را باید دوباره تعلیم دهیم.

.....

۱۷. مدیر فروشگاه یک دستگاه پول شمار برای فروشگاه تهیه کرده است.

.....

۱۸. آنها همی جنسهای قدیمی را فروختند و جنس های تازه خریدند.

.....

۱۹. ما برای مهمان ها قهوه و چای ریختم.

.....
۲۰. مادرم شیرینی های خوشمزه‌ی این مهمانی را برای او پخته بود.

.....
۲۱. احتمال دارد پدر دیشب این کاغذ را اینجا گذاشته باشد.

.....
ب) جمله های زیر را معلوم کنید.

۱. بچه های کلاس اول در مدرسه ثبت نام شده اند.

.....
۲. مردم این کوچه اذیت می شوند.

.....
۳. نامه ها دریافت شده اند.

.....
۴. فروشگاهها تعطیل بودند.

.....
۵. مردم به جشن دعوت خواهند شد.

.....
۶. همسایه ها خوشحال شده بودند.

.....
۷. درهای ساختمان بسته شده اند.

.....
۸. بچه ها در اردوی دیروز مریض شده اند.

۹. شهرهای قدیمی آباد می شوند.

۱۰. تمرین ها جواب داده شده بودند.

۱۱. کشورهای آسیایی روی نقشه مشخص شده اند.

۱۲. میز و صندلی اتاقم ساخته شده اند.

۱۳. رنگ های قرمز از نقشه‌ی این قالی حذف شده اند.

۱۴. لباس رسمی این اداره مشخص شده است.

ت) در جاهای خالی شکل درست فعل های داخل پرانتز را بنویسید.

مدتی است که در روزنامه های تهران می نویسند، تعدادی از مجسمه های تهران
.....(دزدیدن). هیچ کس نمی داند دزد یا دزدهای این مجسمه ها چه کسی یا چه
کسانی..... (بودن). سازنده‌ی بعضی از این مجسمه ها زنده هستند و شاید
.....(توانستن) دوباره مانند آنها را..... (ساختن)، اما معلوم نیست بعضی
از مجسمه های دیگر توسط چه کسانی..... (ساختن). همین طور سازنده‌ی بعضی
از این مجسمه ها..... (فوت کردن). پلیس تهران دنبال دزد این مجسمه‌ها
.....(گشتن). در جاهای مختلف تهران دوربینهایی..... (گذاشتن). اما این
دوربینها تا حالا به پیدا کردن دزدها اصلاً..... (کمک کردن). مردم امیدوارند این
مجسمه ها پیدا شوند. مجسمه هایی که در پارک ها..... (گذاشتن)، گاهی
یادگاری از یک دوره ی تاریخی هستند. از بین رفتن آنها باعث ناراحتی و افسوس مردم

..... (بودن). پلیس تهران..... (امیدوار بودن) دزد آنها را پیدا کند. هیچ کس نمی داند دلیل دزدها از انجام این کار چیست؟

۲۲. در متن نمونه‌ی اول، فعل‌های مجهول را پیدا کنید، سپس متن را با جمله‌های معلوم بازنویسی کنید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

الف) در جاهای خالی حرف مناسب بگذارید

در یا و – برای از

در بین هر گروهی از مردم، رسم و رسوم خاصی وجود دارد. در بعضی از کشورها مراسم ازدواج رسمهای سخت مشکلی وجود دارد. مثلاً شروع زندگی، یکی از دو طرف ماجرا یعنی عروس یا داماد باید پول زیادی خرج کنند. یا در بعضی از کشورها اینکه مرد به خواستگاری زن برود زن به خواستگاری مرد برود نیز اختلاف وجود دارد. گفته می‌شود در منطقه ای..... کشور اندونزی، زن‌ها مردها خواستگاری می‌کنند. همچنین..... تصمیم‌گیری‌های اصلی زن‌ها هستند که حرف آخر را می‌زنند، در کشور شما چگونه است؟

ب در جاهای خالی شکل درست فعلهای داخل پرانتز را بنویسید.

۱. در جلسه ی دیروز تصمیم های مهمی (گرفتن).
۲. آنها همیشه شایعه های زیادی بین مردم (پراکندن).
۳. اگر امروز بتوانم کارهایم را به خوبی انجام دهم، حتماً به مهمانی (رفتن).
۴. شما تاکنون زمان زیادی از (دست دادن). باید برای جبران آن تلاش کنید.
۵. دولت طرحهای مهم خود را برای سال آینده، در روزهای آینده (اعلام کردن).
۶. شهر از شلوغی و ترافیک (پر کردن).
۷. تا کنون من بهترین روزهای عمرم را در این محله ی قدیمی (گذراندن).
۸. مدتی است که او سیگار را (ترک کردن)، اکنون او دارد با ورزش سالم تر می شود.
۹. دیگر از این خانه (خوش آمدن)، می خواهم خانگی نویی بخرم.
۱۰. آنها همیشه بهترین رستوران شهر را برای مهمانی (انتخاب کردن).
۱۱. این مجله را دوست ندارم، میشود یکی دیگر (خریدن)؟
۱۲. راه خیلی دور بود. من (زور آمدن) پیاده بروم.
۱۳. به توصیه های پزشک توجه نکرد، حتما دوباره به این بیماری (دچار شدن).
۱۴. قبلاً مجسمه ی بزرگی اینجا بود، اما مدتی است که آنها آن را (برداشتن).
۱۵. دیشب همه دوست داشتند او را ببینند، اما سه هفته پیش او از اینجا (رفتن).
۱۶. احتمال داشت علت اصلی بیماری او خوردن میوه و سبزی نشسته (بودن).

۱۷. ممکن است دیروز دوست من، استاد را (شناختن). چون قبلا عکس او را دیده بود.

۱۸. همیشه در گذشته (دانستن) که پدر بزرگ خواهرم را بیشتر از دیگران دوست دارد.

۱۹. مدتی بود که دوستش پیش او (آمدن)، اما او دل تنگ نبود.

۲۰. او می خواست ماشین جدیدی (خریدن)، اما پول نداشت.

۲۱. اتوبوس دیر کرده بود. مسافران (حرص گرفتن).

۲۲. من قبلا او را خوب (شناختن)، اما مدتی است که اسمش از (یاد رفتن).

۲۳. دیروز نشانی او را (بلد بودن)، بنابراین از مادرش پرسیدم.

ب. جمله بسازید، ترتیب واژه ها درست است.

۱. علم روانشناسی / مردم / توصیه کردن / شاد بودن /

.....

۲. سالهاست که / علم و دانش / پیشرفت کردن /

.....

۳. بچه ها / حرف های بزرگ ترها / زود / یاد رفتن /

.....

۴. امسال / آنها امتیازهای زیادشان / توانستن / مسابقهی بزرگ / شرکت کردن /

.....

۵. من / ترجیح دادن / تا آخر این هفته / در کلبه‌ی خود / ماندن /

.....

۶. او / سلیقه / کسی / قبول داشتن / فقط / خواستن / همیشه / خودش / انتخاب کردن /

.....

۷. در مهمانی دیشب / او / همکاری / شناختن / اما / وانمود کردن / او / شناختن /

.....

۸. آنها همیشه / خیلی زود / همه چیز / فراموش کردن /

.....

۹. ما / به زودی / کلاسها / تعطیل کردن /

.....

۱۰. آنها / تا حالا چند بار / کارشان / ترک کردن /

.....

۱۱. او سال گذشته / حیف آمدن / آن تابلو / بیرون انداختن /

.....

۱۲. قرار بود / آنها / زندگی / این مخترع بزرگ / فیلم / تهیه کردن /

.....

۱۳. ماه گذشته / هیچ کس / خواستن / این مرد بیچاره / کمک کردن /

.....

۱۴. آنها همیشه سعی کردن / بازار / خرید کردن /

.....

۱۵. شما همیشه یاد رفتن / پنجره ها/ بستن /

.....

ت) در جاهای خالی شکل درست فعلهای داخل پرانتز را بنویسید.

همیشه شرکتها و کارخانه های صنعتی و تجاری، کالاهای خود را تبلیغ می کنند، اما تبلیغ درست و جذاب یکی از مهم ترین مسائل این شرکتها (بودن).
کارشناسهای تبلیغ همیشه سعی می کنند از بهترین روشها..... (استفاده کردن). اما گاهی یک روش ساده و یک منظرهی ساده می تواند خیلی جذاب تر..... (بودن).
در گذشته به دلیل محدود بودن محصولات، مردم..... (مجبور بودن) کالاهای محدودی (داشتن). اما الان کالاها، گوناگونی زیادی
(داشتن). بنابراین باید روشهای تازه ای برای تبلیغ و فروش جنسهای جدید
(پیدا شدن). بدون شک این کار باعث رشد بیشتر تجارت خواهد شد.

اصطلاحات اجتماعی

تأبين	بزرگداشت
التأمين	بیمه
البريد المسجل	پست سفارشی
تبرعات مالية	کمکهای نقدی
البطالة	بیکاری
الجفاف	خشکسالی
إجازة	مرخصی
حزام الأمن	کمر بند ایمنی
احتكاك كهربائي	اتصال برق
دوافع عنصرية	انگیزه های نژاد پرستانه
يدهس	زیرمیگیرد
الدوام	ساعت کاری
مرشح	نامزد انتخاباتی
سبائك ذهبية	شمشهای طلا
شحة المياة	کم آبی
صناديق الإقتراع	صندوقهای رأی
عدّاد الكهرباء	کنتور برق

عارضۃ الأزیاء	مانکن
عقوبۃ التشہیر	مجازات رسواسازی
تعمیم	بخشناامہ
العنف	خشونت
التعايش	ہمزبستی

اصطلاحات سیاسی

أخذالبصمات	انگشت نگاری
الأزمة السياسية	بحران سیاسی
الأسرة الدولية	جامعه بین المللی
تأشيرة	ویزا، روادید
آليات	مکانیسم
المؤامرة	توطئه
الأمانة العامة	دبیرخانه کل
برقية مساواة	تلگراف تسلیت
برقية تهنئة	تلگراف تبریک
مستجدات الأوضاع	رویدادهای تازه
إجراءات رادعة	اقدامات بازدارنده
مجلس صيانة الدستور	شورای نگهبان
مجلس التنسيق الإعلامي	شورای هماهنگی تبلیغات
المجلس الوطني	شورای ملی
الجالية	اقلیت مهاجر
تجميد	تعليق، توصيف
الأجهزة الدّعائية	دستگاههای تبلیغاتی

استجاب	استيضاح کردن
إحباط	خنثی سازی
حجب التّقة	دادن رای عدم اعتماد
التحدي	مبارزه طلبی
حرية التعبير	ازادی بیان
حركة عدم الإنحياز	جنبش عدم تعهد
الإنحياز	طرفداری کردن
الحياد	بی طرفی

اصطلاحات نظامی

قنبلة	بمب
قاذفه	بمب افکن
رشاشه	مسلسل
المدرع	زره پوش
دبابة	تانک
حرب	جنگ
مدفع	توپ
بندقية	تفنگ
قصف الصواريخ	بمباران
ملجئ	پناهگاه
راية	پرچم
راية الانتصار	پرچم پیروزی
قائد الجيش	فرمانده سپاه
المقر	پایگاه
القاعده العسكريه	پایگاه نظامی
الغاز مسيل للدموع	گاز اشک آور
اسطول	ناوگان
القتل او الضحية	کشتار

انقراض (تدمير) تخريب	ويرانى
الصليب الاحمر	صليب سرخ
اللغم	مين
اطفائية	آتش نشانى
قنبلة نووية	بمب اتم
قنبلة توقيتية	بمب ساعت شمار
وقف اطلاق النار	آتش بس
اغتيال	ترور
القوة الجوية	نيروى هوايى
ارهابيون	تروريستها

ضمیر

آنچه در این بخش خواهیم خواند:

انواع ضمیر- ضمیر شخصی، ضمیر مشترک، ضمیر پرسشی، ضمیر مبهم - ضمیر شخصی - ضمیر پیوسته و نقشهای آن ضمیر پیوسته ی اضافی، ضمیر پیوسته ی مفعولی، ضمیر پیوسته ی متممی، بین دو فعل - ضمیر مشترک - ضمیر پرستی - ضمیر مبهم.

ضمیر کلمه ای است که به جای اسم یا گروه اسمی مینشیند یا به شخصی یا چیزی در عالم خارج می‌کند. انواع ضمیر عبارت اند از: ضمیرهای شخصی، مشترک، اشاره، پرسشی تعجبی و مُبهم.

انواع ضمیر

ضمیر شخصی

ضمیرهای شخصی به اشخاص دلالت میکنند و دو دسته هستند

الف) ضمیرهای شخصی جدا این ضمیرها به تنهایی و جدا استفاده میشوند و از نظر معنایی مستقل هستند؛ این ضمیرها عبارت اند از:

من	ما
تو	شما
او	آنها/ ایشان

ب) ضمیرهای شخصی پیوسته این ضمیرها به کلمه ی پیش از خود میچسبند و از نظر معنایی مستقل نیستند.

مَ/ ام	مان
تَ/ ات	تان
شَ/ اش	شان

نکته: از ضمیرهای دام است. اش، زمانی استفاده میکنیم که در آخر کلمه های غیر ملفوظ داشته باشیم.

نمونه: خانه ام خانه ات، خانه اش

نکته: اگر آخر کلمه ای صدای (۱) یا [۱] او باشد وقتی ضمیر به کلمه اضافه میشود بین این دو کلمه "ی" نوشته میشود.

نمونه: چشم هایش ابروهایش، خانه هایشان

ضمیرهای پیوسته و نقشهای آن

ضمیر پیوسته در حالت های مختلف استفاده میشود و انواع مختلف دارد.

۱. ضمیرهای پیوسته ی اضافه: بعد از اسم می آیند و نقش اضافی دارند.

نمونه: خانه ام، کتابم

۲. ضمیرهای پیوسته ی مفعولی: بعد از فعل میآیند و نقش مفعولی دارند.

نمونه: من او را دیدم دیدمش

۳. ضمیرهای پیوسته ی متممی: بعد از حرف اضافه میآیند و نقش متممی دارند.

نمونه: از او یک کتاب گرفتم ازش یک کتاب گرفتم.

۴. بین دو فعل: ضمیر متصل شخصی بین دو بخش فعلهای تک شخصه می آید

نمونه:

من یادم رفت	ما یادمان رفت
تو یادت رفت	شما یادتان رفت
او یادش رفت	آنها یادشان رفت

ضمیر پیوسته ی اضافی (ضمیر بعد از اسم)

وقتی که ضمیر بعد از اسم می آید، نقش اضافی دارد. در این صورت به این ضمیر، ضمیر پیوسته ی اضافی می گویند.

نمونه: کتابم، خانه ام

ضمیر پیوسته ی مفعولی (ضمیر بعد از فعل)

در این حالت ضمیر، پیوسته نقش مفعولی دارد و به بعضی از فعلها فعلهای متعدی اضافه میشود.

نمونه:

من تو را در خیابان دیدم من در خیابان دیدست
من او را در خیابان دیدم من در خیابان دیدمش
من شما را در خیابان دیدم من در خیابان دیدمتان
من آنها را در خیابان دیدم من در خیابان دیدمشان.

ضمیرهای پیوسته ی مفعولی به فعلهای مرکب و پیشوندی هم اضافه میشوند.
به نمونه های زیر دقت کنید.

فعل مرکب: دیروز آلودگی هوا بچه ها را اذیت کرد.

دیروز آلودگی هوا اذیتشان کرد.

فعل پیشوندی: دیشب دوستم کتاب را به من برگرداند.

دیشب دوستم به من برش گرداند.

نکته: گاهی در فعلهای پیشوندی ضمیر به آخر فعل هم اضافه میشود.

نمونه: دیشب دوستم کتاب را به من برگرداند.

دیشب دوستم به من برگرداندش

تمرین

(الف) مانند نمونه تمرینهای زیر را انجام دهید.

نمونه: بچه ها کتابها را بردند.

بچه ها بردندشان.

۱. شما خانه ها را فروختید.

.....

۲. آنها این کادو را خریدند

.....

۳. شما نامه را پست میکنید

.....

۴. تو غذا را پختی

.....

۵. آنها کتاب را میخوانند.

.....

۶. ما صندلیها را از اینجا بردیم

.....

۷. من او را دوست دارم

.....

۸. آنها کتاب را به کتابخانه برگرداندند.

.....
۹. شما این پرنده ها را شکار میکنید؟

.....
۱۰. تو آنها را دوست داری؟

.....
۱۱. شما من را می بینید؟

.....
۱۲. مادرم موبایلم را به من برگرداند.

.....
۱۳. رئیس ما را دعوت میکند

.....
۱۴. من مدرسه ام را ترک میکنم

.....
۱۵. پدرم مهمانهای من را دعوت کرد.

.....
۱۶. او تو را میشناسد؟
.....

۱۷. استاد تو را به دوستش معرفی کرد؟

۱۸. پدرم من را به سینما میبرد.

۱۹. او شما را ناراحت میکند

۲۰. آنها ما را تشویق میکنند

۲۱. پسرم اسباب بازی هایش را خراب کرد.

۲۲. پلیس پاسپورتم را کنترل کرد.

۲۳. پدر بزرگم من را بزرگ کرده است.

۲۴. دوستم مقاله ی جدید را تهیه کرده است.

۲۵. استاد من را برای مسابقه آماده کرد.

.....
۲۶. گرما گل زیبایی را پژمرده کرد. ۲۷ یاران لباس تو را خیس کرد.

.....
۲۷. راهنمای تور شما را به هتل بر میگرداند.

.....
۲۸. استاد تو را برای مسابقه آماده میکند.

.....
۲۹. دانشگاه سمینارهای جدیدی برگزار میکند

.....
۳۰. داروهای جدید شما را تقویت میکند

.....
۳۱. تمرین های جدید من را برای امتحان آماده کرده اند.

.....
(ب) مانند نمونه تمرینهای زیر را انجام دهید.

نمونه من / دیروز این غذا خوردن/

من دیروز این غذا را خوردم

من دیروز خوردمش

۱. تو/ آن روز/ آن کتاب /خواندن

۲. آنها/ امروز / آن غذاها/ خوردن

۳. ما / فردا/ این صندلی ها/ آوردن

۴. تو/ دیروز/ شیشه های کلاس / شکستن

۵. آنها/ امروز/ مهمانی دانشگاه/ برگزار کردن

۶. او/ دیروز/ تو/ دیدن/

۷. مادر/ دیشب/ غذاها/ آماده کردن

۸. دانشگاه/ امسال / ما/ مسافرت/ فرستادن

۹. تو/ دیشب / وسایل / برداشتن /

۱۰. من / دیروز/ درهای ساختمان / بستن

.....
۱۱. او / هفته ی پیش / سوغاتی من / آوردن

.....
۱۲. پدر / امروز / کلیدهای خانه / گم کردن

.....
۱۳. پدر بزرگ / هر روز / گلها / آب دادن

.....
۱۴. بازی / همیشه / بچه ها / سر حال کردن

.....
۱۵. ترافیک / همیشه / تو / ناراحت کردن

.....
۱۶. استاد / هر هفته / روزنامه های جدید / خواندن

.....
۱۷. قبلاً / همیشه / تلویزیون / این برنامه / پخش کردن

(ج) مانند نمونه تمرینهای زیر را انجام دهید ابتدا با استفاده از یکی از زمانهای حال، اخباری گذشته ی استمراری یا گذشته ی ساده جمله بسازید سپس با استفاده از ضمیر پیوسته ی شخصی آن را بازنویسی کنید.

نمونه: تعمیر کردن / یخچال /

- قبلاً همیشه پدر یخچال را تعمیر میکرد. قبلاً همیشه پدر تعمیرش می کرد.

۱. برگرداندن/ بچه ها

.....
۲. خرج کردن/ پول /

.....
۳. اذیت کردن/ من

.....
۴. مریض کردن/ تو

.....
۵. تهیه کردن/ پول

.....
۶. عوض کردن/ کتابها

.....
۷. خراب کردن/ ماشین

.....
۸. عوض کردن / پول /

.....
۹. پست کردن / هدیه ها

.....
۱۰. در آوردن / کلید /

.....
۱۱. گفتن / واقعیت

.....
۱۲. برداشتن / چتر /

.....
۱۳. داشتن / کتاب /

.....
۱۴. درست کردن / مجسمه

.....
۱۵. پرتاب کردن / سنگ

.....
۱۶. گذاشتن / گوشی

.....

ضمیر پیوسته ی متممی (ضمیر بعد از حرف اضافه)

حروف اضافه ای که بعد از آنها ضمیرهای پیوسته میآیند عبارت اند از: از به با، برای

نمونه:

به او گفتم . بهش گفتم.

از او کتاب را گرفتم. کتاب را ازش گرفتم.

برای او هدیه خریدم. برایش هدیه خریدم.

وقتی ضمیرها بعد از حروف اضافه ی «از به ،با برای میآیند به این شکل نوشته میشوند :

۱. حرف اضافه ی «از آزم ،آزت ،آزش، آزمون ازتون ازشون

۲. حرف اضافه ی «به بهم ،بهت بهش، بهمون، بهتون، بهشون

۳. حرف اضافه ی «با پاهام ،باهات باهاش باهامون باهاتون باهاشون

۴. حرف اضافه ی «برای برایم برایت برایش برایمان برامون)، برایتان براتون)،
برایشان (براشون)

تمرین

مانند نمونه تمرینهای زیر را انجام دهید.

نمونه: من از او کتابم را گرفتم

ازش کتابم را گرفتم

۱. برای شما غذا آوردم.

.....

۲. از من خواست بروم

.....

۳. به دوستانم تلفن کردم

.....

۴. از پرنده ها عکس گرفتم

.....

۵. برای تو گلی خریدم.

.....

۶. از ما پول گرفتند.

.....

۷. از تو ناراحت شدم

.....

۸. از شما تشکر میکنم

.....
۹. پرنده از قفس بیرون رفت

.....
۱۰. از خانواده ام جدا شدم

.....
۱۱. از کتابهایتان استفاده کردم

.....
۱۲. من در بازی از تو باختم

.....
۱۳. اتاق از عطر گل پر شده است.

.....
۱۴. بچه ها در مسابقه از دوستانشان بردند.

.....
۱۵. من از این فیلم خیلی بدم آمد.

.....
۱۶. ما برای تو لباس گرم آوردیم

.....

۱۷. او در راه از من عقب ماند.

۱۸. پدرم از بچه‌های من عکس گرفته است.

۱۹. با استادم تماس گرفته ام

۲۰. در مهمانی دیروز به همه سلام کردم

۲۱. آنها با من به مسافرت آمدند.

۲۲. آنها از من امضا گرفتند.

۲۳. شما به من راست گفتید.

۲۴. این لباس به شما خیلی می آید.

۲۵. شما از این مهمانی خیلی تعریف کردید.

.....
۲۶. من برای همه این داستان را تعریف کردم

.....
۲۷. او از آنها عذرخواهی کرد.

.....
۲۸. شما به من همه ی کلیدها را دادید

.....
۲۹. آنها از این بچه ها دزدی کردند.

.....
۳۰. من از شما خیلی تشکر میکنم
.....

ضمیر مشترک

از این ضمیر در حالت‌های زیر استفاده میشود.

(الف) به تنهایی

نمونه: خود از مدرسه رفت

(ب) همراه اسم

نمونه: خود علی از مدرسه رفت

(ج) همراه ضمیر جدا

نمونه: خود او از مدرسه رفت

(د) همراه ضمیر پیوسته

نمونه: خودش از مدرسه رفت

نکته: ضمیر مشترک همراه همه ی ضمیرهای شخصی پیوسته و جدا نوشته میشود.

نمونه: خود من، خود تو، خود او، خود ما، خود شما، خود آنها

خودم، خودت، خودش خودمان خودتان خودشان نکته ضمیر مشترک در ترکیب اضافی ملکی به این شکل استفاده میشود.

نمونه: ماشین من: ماشین خودم ماشین ما: ماشین خودمان

ماشین تو: ماشین خودت ماشین شما: ماشین خودتان

ماشین او: ماشین خودش ماشین آنها: ماشین خودشان

نکته: ضمیر مشترک همراه ترکیب اضافه ی ملکی و صفت به این شکل استفاده میشود

نمونه: ماشین زیبای من: ماشین زیبای خودم ماشین زیبای ما: ماشین زیبای خودمان

ماشین زیبای تو: ماشین زیبای خودت ماشین زیبای شما: ماشین زیبای خودتان

ماشین زیبای او: ماشین زیبای خودش ماشین زیبای آنها: ماشین زیبای خودشان

تمرین

الف) مانند نمونه انجام دهید. از یکی از نمونه های زیر برای بازنویسی جمله ها استفاده کنید.

نمونه: سارا کتاب خرید

خود سارا کتاب خرید

خودش کتاب خرید

خود او کتاب خرید .

۱. او این داستان را می نویسد.

.....
۲. تو این کتابها را فروختی

.....
۳. آنها شاخه های درختان را شکستند.

.....
۴. ما کتابهای زیبا را میخوانیم

.....
۵. شما جمله های سخت را نوشتید.

.....
۶. آنها دفترهای گران را خریدند.

.....
۷. او از این کارخانه ی بزرگ نرفت

.....
۸. ما سفره های قدیمی را از اینجا بردیم.

.....
۹. او شیشه ی پنجره را شکست.

.....
۱۰. بچه ها گل‌های باغچه را کردند.

.....
۱۱. تو این غذا را خوردی

.....
۱۲. دانشجویان از اینجا رفتند.

.....
۱۳. شما مسابقه را باختید.

.....
۱۴. آنها از اینجا رفتند.

.....
۱۵. بچه ها درختها را خراب کردند.

.....
۱۶. حیوانات از باغ وحش رفتند.

.....
۱۷. شیشه ها به خاطر سرما شکستند.

.....
۱۸. تو لباسها را خریدی

.....
۱۹. آنها کتابها را برداشتند.

.....
۲۰. دانش آموزان نمره ی بیست گرفتند.

.....
ب) در جمله های زیر ترکیبهای اضافی را با ضمیر مشترک بازنویسی کنید.

نمونه: او کتابش را به من داد.

او کتاب خودش را به من داد.

۱. من خانه ام را اجاره دادم.

.....

۲. او اتاقش را ترک کرد.

.....

۳. ما لباسهایمان را اتو کردیم.

.....

۴. تو ماشینت را فروختی؟

.....

۵. استاد کتابهایش را به من داد.

.....

۶. پسر کوچک توپش را به دوستش داد.

.....

۷. شما کارهایتان را تمام کردید؟

.....

۸. آنها غذاهایشان را خوردند.

.....

۹. ما وسایلمان را برداشتیم.

.....

۱۰. تو هر روز بچه هایت را به پارک میبری؟

.....

۱۱. شما کیف هایتان را در کمد گذاشتید؟

.....

۱۲. من غذایی را خوردم

۱۳. او خانه اش را فروخت

۱۴. بچه ها امتحانهایشان را دادند.

۱۵. تو نامه هایت را پست کردی

۱۶. آنها خانه هایشان را تمیز کردند.

۱۷. من دوست هایم را دعوت میکنم

۱۸. شما بلیتهایتان را خریدید

۱۹. دوستم اتاقش را ترک کرد

۲۰. ما با استادمان حرف میزنیم

ضمیر پرسشی

معروف ترین ضمیرهای پرسشی عبارت اند از:

که کی چه کدام / کدامین چگونه چطور چه جور چه قدر چقدر چه مقدار چه اندازه چند
چندمین / چندم، کی، کجا

نکته: ضمیرهای «که» و «چه» همراه فعل «است» این طور نوشته میشوند:

که است: «کیست؟» چه است «چیست؟»

۱. **که/کی**: درباره ی نهاد می پرسد.

نمونه: که از در آمد؟

۲. **چه**: درباره ی مفعول می پرسد.

نمونه: چه خوردی؟

۳. **چگونه/چطور/چه جور**: درباره ی چگونگی و کیفیت می پرسند.

نمونه: غذا را چطور پختی؟

۴. **چه قدر (چقدر) / چه مقدار / چه اندازه / چند**: درباره ی مقدار و اندازه می پرسند.

نمونه: هر روز چه قدر می خوابی؟

۵. **چند / چندمی / چندم**: این ضمیرها درباره ی تعداد و ترتیب می پرسند.

نمونه: چند میگیری؟

چندم از مسافرت برمی گردی؟

۶. **کی**: درباره ی زمان می پرسد.

نمونه: کی آمدی؟

۷. **کجا:** درباره ی مکان میپرسد.

نمونه: دیروز کجا رفتی؟

۸. **کدام، کدام یک:** درباره ی نوع زمان و مکان می پرسند.

نمونه: کدام را بیشتر دوست دارید؟ تهران یا شیراز؟

تمرین

الف) با استفاده از ضمیرهای زیر جمله بسازید.

که:

چه:

کدام:

چگونه:

چقدر:

چندم:

کجا:

ب) از ضمیرهای زیر در جاهای خالی استفاده کنید از هر ضمیر می‌توانید در چند جمله استفاده کنید. چه کدام کدامین چگونه چطور / چه جور، چه قدر / چه مقدار / چه اندازه، چند / چندمین / چندم، کی، کجا

۱. بچه ها روزی بازی میکنند؟

۲. آنها را دوست دارید؟

۳. شما در این کارخانه کار میکنید؟

۴. شما به کارمندانان هر ماه می دهید؟

۵. در این شهر این آدرس را میشناسد؟

۶. من باید با یک معلم صحبت کنم. پیش بروم؟

۷. با این کامپیوتر هر هفته کار میکنید؟

۸. برای صبحانه نان میخورید؟

۹. شما هر روز میخوابید؟

۱۰. آنها میخواهند خرید کنند؟

۱۱. شما از مسافرت رفته اید؟

۱۲. تو غذا پختی؟

۱۳. او بلیتش را نبرده است. او.....بدون بلیت سوار قطار میشود؟
۱۴. حالتان است؟
۱۵. هوا فردا است؟
۱۶. آنها خرید میکنند؟
۱۷. این بیمار نباید غذای چرب بخورد الآن هر روز می خورد؟
۱۸. شما را در این اتاق دیدید؟
۱۹. دو نوع غذا داریم شما را می خواهید؟
۲۰. نمی دانم کلیدم را گذاشته ام.
۲۱. دیر شده است. شما می آید؟
۲۲. وقت ندارم همه ی کارها را انجام بدهم شما می خواهید را انجام بدهم؟
۲۳. هم قهوه داریم هم چای برای شما بیاورم؟
۲۴. این اتاق خیلی شلوغ است. شما کار میکنید؟
۲۵. برای تعطیلات می روید؟
۲۶. دوست شما میخواهد؟ من صدای او را نمیشنوم
۲۷. حقوق کارگران را هنوز نداده اند. همیشه حقوقشان را میدادند؟
۲۸. به این غذا در زبان شما می گویند؟

ضمیر مبهم

این ضمیرها معمولاً برای نشان دادن افراد و گاهی چیزهای نامعین و نامشخص استفاده میشوند. معروف ترین ضمیرهای مبهم که برای شخص و گاه اشیا استفاده میشوند عبارت اند از: همه، بعضی، برخی، عده ای گروهی، کسی، کسانی، هر کس، هرچه، خیلیها دیگران، هیچ، هیچ کدام، هیچ یک، یکی دیگری، یکی دیگر

نکته: اگر ضمیرهای همه بعضی برخی عده ای گروهی خیلیها و دیگران نهاد جمله باشد فعل بعد از آنها به شکل جمع نوشته میشود.

نمونه: برخی از این شهر رفتند.

نکته: اگر ضمیرهای کسی، هرکس، دیگری، یکی دیگر، هر چه و هیچ نهاد جمله باشند، فعل بعد از آنها به شکل مفرد نوشته میشود.

نمونه: کسی به من چیزی نگفت.

او رفت و یکی دیگر آمد.

نکته: بعد از «کسانی» فعل به شکل جمع می آید

نکته: همچنین بعد از ضمیرهای «هیچ کدام» و «هیچ یک» اگر نهاد جمله باشند، فعل گاه به شکل جمع میآید و گاه به شکل مفرد اگر فاعل جاندار نباشد میتوانیم از فعل مفرد هم استفاده کنیم.

نمونه: هیچ کدام من را نشناختند.

هیچ یک من را نشناختند.

هیچ یک از مسابقه ها خوب نبود.

نکته: بعد از ضمیرهای «کسی و هیچ فعل به شکل منفی میآید اما در حالت پرسشی میتواند فعل به شکل مثبت هم بیاید.

نمونه: کسی اینجا نبود.

هیچ کس اینجا نبود.

کسی با من می آید؟

نکته: «هیچ» گاهی فقط برای پرسش می آید.

نمونه: هیچ میدانستید این یک کتاب تاریخ است؟

یعنی: آیا میدانستید این یک کتاب تاریخ است؟

تمرین

(الف) در جاهای خالی از ضمیر مناسب استفاده کنید از بعضی از ضمیرها چند بار هم میتوانید استفاده کنید.

هیچ کس ، کسی ، هر کس هر چه هیچ ، همه ، بعضی ، برخی ، عده ای ، گروهی خیلیها ، دیگری ، دیگران ، هر کسی ، یکی هر چه ، هیچ یک

۱. در اتاق نبود.
۲. به من گفت کتاب مورد علاقه ام را میتوانم در این فروشگاه پیدا کنم.
۳. سعی کردم نتوانستم بروم.
۴. از اینجا رفتند.
۵. که می توانند فارسی صحبت کنند به این کلاس بیایند.
۶. شما به..... هم بگویید که فردا در جشن شرکت کنند.
۷. در این شهر همه ی موزهها را ندیدم فقط..... را دیدم
۸. از بچه ها درس خواندن را دوست ندارند.
۹. دانشگاه را به اینجا دعوت کرد.
۱۰. شما را میخواهید دعوت کنید.
۱۱. آنها از.....خواستند به این جشن بیایند
۱۲. من درباره ی این خبر نمی دانستم
۱۳. آنها را در این عکس میشناختند.
۱۴. از این شهر رفتند.
۱۵. از این درس خسته نشده اند.
۱۶. شما..... را در این شهر نمیشناختید؟
۱۷. شما..... را در این دانشگاه پذیرفتید.
۱۸. هم اتاقی ام از اینجا رفت و آمد.
۱۹. در کیفم بود به دوستم دادم.
۲۰. آیا در اتاق بود؟
۲۱. ماشینم را فروختم و.....خریدم

۲۲. دیشب دوستانم به خانه ام آمدند اما پیش من نماندند.

۲۳. امتحانها تمام شدند..... سخت بودند.

۲۴. برگه ی ثبت نام را به دادم.

(ب) در جاهای خالی شکل درست فعلهای داخل پرانتز را بنویسید.

۱. دیروز کسی در این مدرسه (بودن).
۲. همیشه همه این داستان را..... (تعریف کردن).
۳. هر کسی..... (دانستن) این شهر خیلی معروف است.
۴. بچه ها این دارو را میشناختند اما بعضی دیگر خطرهای این دارو را..... (دانستن).
۵. ماه پیش عده ای از این تابلوی زیبا عکس (گرفتن).
۶. تا دیروز هیچ کسی درباره ی این کتاب چیزی (دانستن).
۷. هفته پیش هیچ یک از دانشجویان در این امتحان نمره ی خوبی..... (گرفتن).
۸. دیروز یکی از همسایه های ما از اینجا رفت و دیگری (آمدن).
۹. معمولاً خلیها بوی این گل را (دوست داشتن) .
۱۰. خیلی ها (دوست داشتن) به این دانشگاه بیایند.
۱۱. او درباره ی این خبر چیزی به من نگفت اما دیگران به من (گفتن).
۱۲. هر کس که (آمدن)، مجله ی جدید را به من معرفی میکرد.
۱۳. او می گفت گلهای زیبایی اینجا هستند اما هیچ گل زیبایی اینجا..... (بودن).
۱۴. کسی در مغازه بود که به شما..... (جواب دادن؟)
۱۵. هر چه (گذشتن)، درسها سخت تر میشوند.
۱۶. عده ای (توانستن) شب به مدت طولانی بیدار بمانند.
۱۷. مدیر شرکت به کسانی که خوب (کار کردن) هدیه میدهد.
۱۸. دو روز پیش یکی از مهمانها در مهمانی (آواز خواندن).

۱۹. امروز گروهی از این موزه ی قدیمی (عکس گرفتن).

۲۰. من نتوانستم عکس بگیرم، اما دیگران (گرفتن).

۲۱. هر چه در یخچال (بودن)، خوردیم.

۲۲. او نتوانست پیش نگهبان برود، یکی دیگر (رفتن)

۲۳. کسانی که میوه و سبزی تازه (خوردن) (سالم ماندن)

به تعدادی دیگر از ضمیرهای مبهم و نکته های آن اشاره میکنیم:

بسیار، بسیاری، کم، کمی، اندکی، قدری، خیلی، خیلی ها، چندی

نکته: اگر «بسیاری» و «خیلی ها» نهاد جمله باشند، فعل به شکل جمع می آید.

نمونه: بسیار به آخر سال مانده است.

بسیاری از اینجا رفتند.

به آخر سال کمی مانده است.

خیلی از مردم این نقاشی را دوست داشتند.

چندی است که دیگر او را نمیبینم

(الف) در جاهای خالی از ضمیر مناسب استفاده کنید در بعضی از جمله ها از چند ضمیر میشود استفاده کرد.

بسیار، بسیاری، کم، کمی، اندکی، قدری، خیلی، خیلی ها، چندی

۱. دیروز وقت زیادی نداشتم..... استراحت کردم

۲. دیشب خیلی سرحال بودیم. در این خیابان قدم زدیم.

۳. شما قبلاً در این شهر زندگی میکردید..... شما را می شناختند.

۴. فلفل به غذاها اضافه کنید، حتماً خوشمزه میشود.

۵. آنها درس خواندند تا در این دانشگاه قبول شدند.

۶. او خیلی باهوش است. آدمهایی مثل او..... دیده ام.

این نمایشگاه تازه باز شده است..... آنجا را دیده اند.

۷. بود که این مجله را نمیخواند.
۸. دیشب خیلی خسته بودم..... درس خواندم.
۹. این شهر خیلی زیبا بود اما ما فقط آنجا ماندیم.
۱۰. اسم او را می دانستند.
۱۱. غذا خوشمزه بود..... از آن غذا خوردند.
۱۲. خانواده ام از این شهر خوششان آمد..... در اینجا ماندند.
۱۳. او بیمار شده است در هوای گرم..... در زیر آفتاب راه رفت
۱۴. او خودش را به خوبی معرفی نمیکرد، اما او را می شناختند.

قید

آنچه در این بخش خواهیم خواند

انواع قید - انواع قید ویژه - انواع قید از نظر ساختمان- ساختن قید - قیدهای پرکاربرد
قید کلمه یا گروهی از کلمات است که مفهومی را به فعل مصدر صفت و یا قید دیگر اضافه
میکند و درباره ی آن توضیح میدهد قیدها انواع مختلف دارند:

قید فعل: او خوب می نویسد.

قید صفت: او بسیار پرکار بود.

قید قید: او خیلی خوب می نویسد.

قید مصدر: من خوب نوشتن او را دوست دارم

نکته: قیدها به جز قید بودن به طور خاص میتوانند اسم صفت یا کلمه های دیگری هم
باشند.

انواع قید

الف) قید ویژه: یعنی قیدی که همیشه قید است و به جز قید چیز دیگری نمی تواند باشد.

نمونه: هرگز هنوز البته هنوز

ب) قید مشترک قیدهایی هستند که در اصل قید نیستند و در جمله نقش قیدی پیدا میکنند

نمونه: تو خوب حرف میزنی

«خوب» در اصل صفت است که در این جمله نقش قید پیدا کرده است.

انواع قید ویژه

۱. قید زمان: قیدی است که زمان را نشان میدهد.

نمونه: شب روز گاهی اوقات دیر زود

۲. قید مکان: قیدی است که مکان را نشان میدهد.

نمونه: اینجا آنجا زیر، روی بالای پشت کنار پیش رو به روی داخل
۳. قید مقدار: قیدی است که اندازه و مقدار چیزی را نشان میدهد.

نمونه: کم زیاد، خیلی

۴. قید کیفیت: قیدی است که کیفیت چیزی را نشان میدهد.

نمونه: خوب به آرامی به تندى رفته رفته

۵. قید حالت: این قید حالت نهاد مفعول یا فعل را نشان میدهد

نمونه: گریان خندان دلیرانه کنجکاوانه

۶. قید تأسف: قیدی است که تأسف گوینده را از چیزی نشان میدهد.

نمونه: افسوس، حیف متأسفانه

۷. قید تأکید: تأکید را نشان میدهد.

نمونه: حتماً

۸. قید شک: شک و تردید را می‌رساند.

نمونه: شاید، احتمالاً

۹. قید پرسش: این قید پرسشی است.

نمونه: چگونه

انواع قید از نظر ساختمان

به طور کلی قیدها به دو دسته ی ساده و مرکب تقسیم میشوند.

۱. قیدهای ساده: قیدهایی هستند که از یک بخش تشکیل شده اند.

نمونه: کند، زود، هرگز

۲. قیدهای مرکب: قیدهایی هستند که از دو بخش تشکیل شده اند.

نمونه: هر روز تند تند یواشکی

ساختن قید

برای ساختن قیدهای مرکب از سه روش استفاده میشود:

الف) به آخر اسم یا صفت پسوند «انه» اضافه میشود.

نمونه: کنجکاوانه، مردانه

ب) گاهی از تکرار یک قید قید مرکب ساخته میشود.

نمونه: کم کم آهسته آهسته

ج) گاهی هم با افزودن حرف اضافه ی «به» به اول اسم ساخته میشود.

نمونه: به راحتی به خوبی

قیدهای پرکاربرد

قیدهای هر گز اصلاً هنوز، البته مثلاً احياناً، اتفاقاً، همواره، اتفاقاً دائماً قیدهای پرکاربرد هستند.

نکته: بعد از قیدهای هرگز و اصلاً، فصل به شکل منفی نوشته می شود.

نمونه: او هرگز به شیراز نرفته است.

من اصلاً بستنی دوست ندارم

نکته: بعد از «هنوز» گاهی فعل به شکل منفی و گاه به شکل مثبت نوشته می شود.

نمونه: او هنوز در این اداره کار میکند

نمونه: ما هنوز به بازار نرفته ایم.

تمرین

در تمرینهای زیر از قید مناسب استفاده کنید از یک قید میتوانید در جاهای مختلف استفاده کنید.

هر روز، تند تند یواشکی، به راحتی، به خوبی، هرگز، اصلاً، هنوز، البته مثلاً، احياناً، اتفاقاً، همواره، دائماً، یواش

۱. پسر دوچرخه سواری بلد بود. اورانندگی میکرد

۲. من این غذا را دوست نداشتم اما مجبور بودم آن را بخورم.

۳. سعید خیلی دیرش شده بود او باید می رفت.

۴. آنها به یاد او بودند.

۵. اینجا کتابخانه ای باز شده است، اما من..... به آنجا نرفته ام.
۶. قرار نبود از این خیابان رد بشوم، اما..... از آنجا عبور کردم.
۷. در باشگاه تمرین میکردیم.
۸. سالها بود به کلاس زبان میرفت. او میتوانست به زبان خارجی صحبت کند.
۹. وقتی بچه بودم، دوست داشتم..... به اتاق خواهرم بروم طوری که او اصلاً متوجه نشود.
۱۰. مادر..... می گفت مواظب خودتان باشید.
۱۱. از استاد اجازه گرفتم که به خانه بروم او به من گفت که میتوانید بروید.
۱۲. اگر..... نیامدید به من تلفن کنید.
۱۳. او میتوانست رانندگی کند چون خیلی تمرین کرده بود.
۱۴. مادرم..... حاضر نبود با من به مسافرت بیاید.
۱۵. شما میتوانید کتاب دیگری بخوانید،..... کتاب تاریخ.
۱۶. من به این موزه نرفته بودم اما عکسهایش را دیده بودم.
۱۷. دیرم شده بود،..... به اداره میرفتم.
۱۸. میخواستم بیدار نشود..... در را باز کردم.
۱۹. خانه اش خیلی تمیز بود. آنجا را تمیز میکرد.
۲۰. او یک ماه مرخصی گرفت برای این کارش دلیل داشت.
۲۱. رئیس کارخانه به پیشرفت فکر میکرد.
۲۲. سالها بود که در این شرکت کار میکرد ، اما..... کارش را به خوبی بلد نبود.
۲۳. استاد گفت از کتابهای مختلف استفاده کنید. فرهنگهای لغت و کتابهای دستور.
۲۴. او..... تلاش میکرد، تا این که نوازنده ی خوبی شد.
۲۵. چرا تو به او هدیه دادی؟

۲۶. آنها این غذا را دوست نداشتند.
۲۷. او به تو تلفن میکند این بار تو به او تلفن بکن.

حرف

آنچه در این بخش خواهیم خواند

حرف نشانه ی را - حرف اضافه، حرف اضافه ی ساده، حرف اضافه ی مرکب، حرف ربط، حرف ربط ساده، حرف ربط مرکب- تقسیم بندی حروف بر اساس معنی و کاربرد. حرفها، واژه ها یا گروههایی هستند که معنی مستقلی ندارند و فقط برای پیوند دادن کلمه ها یا جمله ها یا نسبت دادن کلمه ای به کلمه ای یا جمله ای به کلمه ای یا برای نشان دادن نقش کلمه استفاده میشوند.

در این بخش به سه نوع حرف اشاره میکنیم

۱. حرف (نقش نمای) راء

۲. حرف اضافه

۳. حرف ربط

حرف نشانه ی «را»

ابتدا به این سؤال پاسخ میدهم که چه وقت از حرف را استفاده میکنیم؟ این حرف همیشه همراه مفعول مستقیم در جمله نوشته میشود اما باید به این نکته اساسی توجه کنیم که اگر مفعول شناس (معرفه) باشد از حرف را استفاده میکنیم و اگر مفعول ناشناس (نکره) یا اسم ناشناخته یا گروه اسمی ناشناخته باشد از حرف را استفاده نمی کنیم.

نکته: ضمائر و صفات مبهم مانند همه هیچ کس بعضی اگر مفعول مستقیم باشند، همراه را نوشته می شوند.

نمونه

من هیچ کس را نمی شناسم.

آنها همه را دعوت کردند.

او بعضی از دانشجویان را دعوت کرد

نکته: بعضی از ترکیب های اسم و صفت اگر مفعول مستقیم باشند، همراه راه نوشته میشوند.

نمونه

آنها میز اول را انتخاب کردند.
او اتاق تاریک را ترک کرد.

تمرین

اگر لازم است، «را» بگذارید.

۱. آنها این غذاهای ایرانی میخورند.

.....

۲. شما به مدرسه رفتید.

.....

۳. آنها مغازه تعطیل کردند.

.....

۴. شما کارهایتان انجام دادید.

.....

۵. ما کلاسها نمیشناختیم.

.....

۶. او این آدرس بلد نبود.

.....

۷. تو به خیابان فردوسی رفتی

.....

۸. آنها از فروشگاه کتاب خریدند

.....

۹. ما برای دوستان این هدیه خریدیم

.....

۱۰. شما برای خانه خرید کردید.

.....

۱۱. ما دستهایمان شستیم.

.....

۱۲. شما ماشینتان فروختید.

.....

۱۳. تو کفشهایت واکس زدی

.....

۱۴. آنها اسمشان به من گفتند.

.....

۱۵. من این نامه مینویسم

.....

۱۶. لباسهای تمیز بردار.

.....

۱۷. من فیلم جدیدی دیدم

.....

۱۸. ما هر روز بچه ها میبینیم

.....

۱۹. من هیچ وقت اینجا ترک نمیکنم

.....

۲۰. شما شیرینی های او دوست دارید؟

.....

۲۱. او عکسی به من داد.

۲۲. ما خانه مان در این شهر فروختیم

۲۳. شما کسی در این شهر نمیشناسید؟

۲۴. او برایم قصه ای تعریف میکند

۲۵. من هر شب روزنامه میخوانم

۲۶. تو دیروز فیلمی دیدی

۲۷. من این کتاب انتخاب کردم

۲۸. پلیس او دستگیر کرد.

۲۹. من به او تلفن کردم

۳۰. ما شهر ترک کردیم.

۳۱. آنها خانه ی جدیدی خریدند

۳۲. ما در رستوران شام خوردیم

۳۳. شما ماشینتان کجا گذاشتید؟

.....

۳۴. شما وسایلم آوردید؟

.....

۳۵. او در آزمایشگاه باز کرد

.....

۳۶. ما همه ی درسها تکرار کردیم.

.....

۳۷. ما بچه ها پیش معلم بردیم

.....

۳۸. آنها داستان دیشب برای او تعریف کردند.

.....

۳۹. ما همه برای مهمانی دعوت کردیم

.....

۴۰. من گلها برایش آوردم.

.....

۴۱. ما در این رستوران شام خوردیم.

.....

۴۲. من به او کمک کردم

.....

۴۳. همه این شهر دوست داشتند.

.....

۴۴. بیمار داروها خورد.

.....

۴۵. من آدرس بیمارستان نمی دانستم

۴۶. خانه ی علی خیلی دور بود.

۴۷. او ماشین پدرش پنچر کرد.

۴۸. دوستانم آمدند.

۴۹. من کیفم روی میز گذاشتم

۵۰. من زنگ خانه زدم

۵۱. آنها همه می شناسند.

۵۲. ما هیچ کس دعوت نکردیم.

۵۳. شما بعضی ها انتخاب کردید.

۵۴. تو بعضی از غذاها دوست نداری

۵۵. او گلهای زیبا بیشتر دوست دارد.

۵۶. من همیشه فیلم های هندی میخرم

۵۷. دیشب تو همه ی غذا خوردی؟

۵۸. ما از غذای ایرانی خوشمان می آید.

۵۹. آنها همه ی دانشجویان به سفر بردند.

۶۰. در مسابقه من جایزه ی اول بردم.

حرف اضافه

حروف اضافه کلمه هایی هستند که معمولاً کلمه یا گروهی را به فعل جمله یا به صفت و اسمی نسبت میدهند و آنها را به آن وابسته میکنند به کلمه یا گروهی که به فعل نسبت داده میشود متمم میگویند.

حرف اضافه از نظر ساختمان به دو شکل است

۱. حرف اضافه ی ساده

۲. حرف اضافه ی مرکب

حروف اضافه ی ساده

بعضی از حروف اضافه ی ساده حروف زیر هستند

با، از، به، برای، تا، در، مانند مثل، بدون جز / غیر / مگر، — اضافه
با

۱. برای نشان دادن همراهی

نمونه: او با پدرش به مدرسه رفت

۲. به معنی «به وسیله ی»

نمونه: من با اتوبوس به خانه رفتم.

۳. به معنی کمک کردن و همراهی در کاری

نمونه: او با مادرش این کار را انجام داد.

۴. به معنی هم زمانی

نمونه: با آمدن بهار درختان سبز میشوند.

از

۱. برای شروع زمان و مکان استفاده میشود و معمولاً همراه تا» می آید.

نمونه: زمان؛ از ساعت چهار تا حالا اینجا نشسته ام.

مکان؛ از اینجا تا خانه ۳ کیلومتر راه است.

۲. برای نشان دادن جنس چیزی

نمونه: این کیف از چرم ساخته شده است.

۳. برای نشان دادن علت یا دلیل چیزی

نمونه: او از هوای سرد مریض شد.

به

۱. به معنی «به طرف»

نمونه: او به خانه رفت

۲. به معنی «نسبت به»

نمونه: فوتبال را به تنیس ترجیح میدهد.

۳. به معنی «برای»

نمونه: او به خواهرش نامه نوشت

۴. برای «سوگند خوردن»

نمونه: به خدا، من به موقع آمدم.

برای

۱. برای نشان دادن علت چیزی

نمونه: برای دیدن او به خانه اش رفتم

۲. به معنی درباره‌ی

نمونه: برای کارم پیش او رفتم

تا

برای نشان دادن پایان زمان و مکان

نمونه: زمان از دیروز تا امروز اینجا هستم

مکان از اینجا تا مشهد راه زیادی است.

در

۱. برای نشان دادن ظرفیت مکانی یا زمانی

نمونه: زمان: در آن موقع شهر تعطیل بود.

مکان: در این خانه هیچ اتاقی خالی نبود.

۲. به معنی درباره‌ی

نمونه: در این زمینه چیزی نمیدانم

مانند/ مثل

برای نشان دادن شباهت چیزی

نمونه: دوستم مانند/ مثل برادرم بود.

بی

برای نشان دادن نبودن چیزی (هم معنی بدون)

نمونه: بی/ بدون کتاب سر کلاس آمد.

جز / غیر / مگر

این حرف به معنی استثنا به دو شکل استفاده میشود.

نمونه: همه به کتابخانه رفتند، جز / مگر استاد تاریخ.

همه این غذا را دوست داشتند، مگر جز من که آن را دوست نداشتم.

کسره ی اضافه –

برای اضافه کردن اسمی به اسم دیگر یا صفت و موصوف استفاده میشود.

تمرین

در جاهای خالی حرف اضافه ی مناسب بنویسید.

۱. آنها..... این مورد چیزی ننوشتند.
۲. شما..... این موضوع چیزی میدانید؟
۳. آنها همیشه..... خودکار مینویسند.
۴. شما..... آنها کار میکردید؟
۵. او از اینجا..... مدرسه پیاده رفت.
۶. همه با اتوبوس رفتند،..... او که دوچرخه دوست داشت.
۷. ما..... همه نامه فرستادیم.
۸. شما..... کار پیش او رفتید.
۹. آنها..... مجسمه عکس گرفتند.
۱۰. ما..... ماشین به مسافرت نمی رویم.
۱۱. شما..... هم این کار را انجام دادید.
۱۲. او روستا را..... شهر ترجیح میدهد.

۱۳. شروع سرود ملی، همه از جایشان بلند شدند.
۱۴. همه به مسافرت رفتند پدر بزرگ
۱۵. شما استاد حرف زدید؟
۱۶. من کامپیوتر کار میکنم
۱۷. تو این لباس زیباتر هستی
۱۸. اینجا خانه ام است، اینجا را خیلی دوست دارم
۱۹. او این کار علاقه دارد.
۲۰. آشپز همکارش کار نمی کند. منتظر اوست.
۲۱. من او این مهمانی را گرفتیم.
۲۲. شما اینجا تا شهر پیاده رفتید.
۲۳. اینجا هیچ کس مدرک کار نمی کند.
۲۴. شما این شهر رفتید.
۲۵. شما مسابقه تمرین میکنید؟
۲۶. همه ی روزهای هفته سرکار میروم جمعه که تعطیل است.
۲۷. آنها شما لباس می پوشند.
۲۸. غذا سوخت آنها غذا ماندند.
۲۹. همه این غذا را دوست دارند، دوست من
۳۰. تو خودکار زیباتر مینویسی
۳۱. تو خانه کار میکنی
۳۲. او استاد نامه نوشت.
۳۳. ما دوستان به سفر نمی رویم
۳۴. هیچ کس به این رستوران نمی رود، او
۳۵. بچه ها آمدن فصل پاییز به مدرسه می روند.

حرف اضافه ی مرکب

چند نمونه از حروف اضافه ی مرکب عبارت اند از:

به محض، بدون، بعد از، قبل از، به جای، در عوض، به عوض، به علت، به دلیل، به خاطر، در نتیجه ی، به منظور، به خاطر، باهدف، در جهت، اضافه بر، علاوه بر، به علاوه ی، گذشته از، در صورت، به شرط، با شرط، با وجود / به رغم علی رغم / برخلاف به جز غیر از

نکته: به این حروف حروف اضافه ی غیر فعلی هم گفته میشود چون این حروف با هیچ فعل خاصی استفاده نمی شوند این حروف در جمله همراه «اسم» یا «مصدر» می آیند.
به کاربرد این حروف همراه تمرینهایی می پردازیم.

به محض

از این حرف برای نشان دادن هم زمانی استفاده میشود (این هم زمانی میتواند کاملاً دقیق هم نباشد).

نمونه: ما به خانه رسیدیم مهمانها از راه رسیدند.

- به محض رسیدن ما به خانه مهمانها از راه رسیدند.

تمرین

مانند نمونه ی بالا جمله های زیر را با استفاده از حرف اضافه ی به محض دوباره بنویسید.

۱. دیروز آنها را در خیابان دیدم دیروز به آنها سلام دادم.

.....

۲. سال گذشته وقتی من به خانه میرسیدم هم خانه ام هم به خانه بر می گشت.

.....

۳. او از اینجا می رود. همه خوشحال میشوند.

.....

۴. او دانشگاه را ترک کرد او باید کارش را در این اداره شروع کند.

۵. ما از این فروشگاه رفتیم این فروشگاه تعطیل شد.

۶. ما تازه از مسافرت برگشته بودیم کارهایمان بیشتر شدند.

۷. خانه ی جدید را خریدیم. خانه ها گران شدند.

۸. کتابها را خریدم نوشتن پایان نامه ام را شروع کردم

۹. کار جدیدتان را شروع میکنید. حقوقتان بیشتر میشود.

۱۰. تیم آنها برنده شد. مردم از خوشحالی فریاد زدند.

۱۱. او از مسافرت برگشت پدر و مادرش برایش مهمانی گرفتند.

۱۲. کارمندهای قدیمی بازنشسته میشوند آنها با هم به مسافرت میروند.

بعد از - قبل از

این حروف نشان دهندهی ترتیب زمانی انجام شدن کارها هستند.

نمونه: کارمندا میروند نگهبان درها را می بندد.

- قبل از قبل از بستن درها (توسط به وسیله ی نگهبان) کارمندا می روند.

- بعد از بعد از رفتن کارمندا نگهبان درها را می بندد.

تمرین

مانند نمونه تمرینهای زیر را انجام دهید.

نمونه: کتاب خریدن کتاب خواندن (او- حال التزامی)

- او بعد از خریدن کتاب باید آن را بخواند.

- او قبل از خواندن کتاب باید آن را بخرد.

۱. رانندگی یاد گرفتن ماشین خریدن (او- حال اخباری)

.....

۲. بازی کردن درس خواندن (آنها- گذشته استمراری)

.....

۳. ورزش کردن دوش گرفتن (شما - گذشته استمراری)

.....

۴. نامه نوشتن - پست کردن نامه (ما- گذشته ی ساده)

.....

۵. غذا پختن خرید کردن (تو - گذشته ی استمراری)

.....

۶. خانه را تمیز کردن مهمان دعوت کردن (مادر- گذشته ی ساده)

.....

۷. پول پس انداز کردن مسافرت رفتن (دانشجویان - حال اخباری)

.....

۸. کتاب نوشتن چاپ کردن کتاب (او- گذشته ی ساده)

.....

۹. میوه خریدن شستن (من - حال التزامی)

.....

۱۰. لامپها را خاموش کردن بیرون رفتن (کارگرها- گذشته ی دور)

بدون

حرف اضافه ی بدون برای نشان دادن انجام نشدن کاری در میان کارهای دیگر استفاده میشود.

نمونه: او غذایش را نخورد. کار را شروع کرد.

- او بدون خوردن غذایش کار را شروع کرد.

تمرین

مانند نمونه ی بالا جمله های زیر را با استفاده از حرف اضافه ی ، بدون دوباره بنویسید.

۱. او درسش را تمام نکرده بود. او به کشورش برگشت.

۲. شما پول ندادید. شما از مغازه بیرون رفتید

۳. او خداحافظی نکرد. او اتاق را ترک کرد

۴. شما کتاب را مطالعه نکردید کتاب را به کتابخانه برگردانید.

۵. آنها به درس ادبیات علاقه نداشتند آنها مجبور بودند امتحان بدهند.

۶. در مسابقه های پارسال شما تمرین نمیکردید. شما مسابقه می دادید.

۷. تو خوب درس نمی خوانی، تو امتحان میدهی.

۸. بچه میوه‌ها را نمیشوید او میوه‌ها را میخورد

.....

۹. پدر به مشکلات توجه نمی‌کرد. همیشه لبخند داشت.

.....

۱۰. آنها به قانون توجه نمی‌کردند آنها دیر به اداره می‌آمدند.

.....

۱۱. من به حرفهای پدر و مادرم توجه نکردم رشته هنر را انتخاب کردم

.....

۱۲. بیمار به حرف پزشک گوش نمی‌کرد او همیشه سیگار میکشید.

.....

۱۳. مدیر هیچ وقت نظر کارمندان را نمی‌پرسید او فقط کار خودش را انجام میداد.

.....

۱۴. آنها لباس گرم نپوشیدند. آنها به کوهستان رفتند.

به جای / در عوض / به عوض

حرف اضافه مرکب به جای که به معنی در عوض به عوض هم هست برای جانشینی استفاده می‌شود. این جانشینی میتواند جانشینی انسان کار یا هر موضوع دیگری باشد.

نمونه: این غذا به ما انرژی نمیدهد فقط ما را چاق میکند

- این غذا به جای در عوض دادن انرژی به ما فقط ما را چاق میکند

تمرین

مانند نمونه ی بالا جمله های زیر را با استفاده از حروف اضافه ی به جای در عوض به عوض دوباره بنویسید.

۱. من به خانه مادربزرگ نمی‌روم. من در خانه میمانم.

.....

۲. آنها ورزش نمی کردند. آنها فقط بازی میکردند.

۳. غذای سنگین نخورید. سالاد و غذای سبک بخورید

۴. پول زیاد در خانه نگه ندارید. آن را در بانک بگذارید.

۵. از غذاهای آماده استفاده نکنید. خودتان غذا بپزید.

۶. شیرینی و تنقلات نخورید از میوه و غذای سالم استفاده کنید.

۷. در خانه نمائید پیش دوستانتان بروید

۸. در حالت بیماری سر کار نروید در خانه بمانید و استراحت کنید.

۹. از او ناراحت نباشید دلیل عصبانیتش را پرسید.

۱۰. در این هوای سرد بیرون نمائید به یک جای گرم بروید

۱۱. دیشب رئیس دانشکده در جلسه سخنرانی نکرد معاون دانشکده در جلسه سخنرانی کرد.

۱۲. پدر بزرگ به بچه هدیه نداد پدر بزرگ بچه را به مسافرت برد.

۱۳. همکارم صدای رادیو را زیاد نکرد او رادیو را خاموش کرد.

۱۴. کالاهای این مغازه را نخریدم. فقط به آنها نگاه کردم.

.....
به علت / به دلیل / به خاطر در نتیجه ی

حروف به علت به دلیل به خاطر در نتیجه ی نشان دهنده ی علت انجام کاری هستند.

نمونه: آنها سر کار با هم حرف نمیزدند. چون کارشان زیاد بود.

- به دلیل زیاد بودن کارشان آنها سر کار با هم حرف نمی زدند.

تمرین

مانند نمونه ی بالا جمله های زیر را با استفاده از حروف اضافه ی به علت به دلیل / به خاطر در نتیجه ی دوباره بنویسید.

۱. او دنبال کار میگشت او کارش را از دست داده بود.

.....
۲. پلیس او را جریمه کرد او با سرعت بالا رانندگی میکرد.

.....
۳. آنها پیش دکتر رفتند. آنها مریض شده بودند.

.....
۴. شما از استاد سؤال پرسیدید شما درس را متوجه نشده بودید؟

.....
۵. ما امروز به سینما میرویم. ما وقت آزاد داریم.

.....
۶. دانشجویان دیر به کلاس رسیدند دانشجویان داشتند با رئیس دانشکده صحبت میکردند.

.....
۷. من هر روز خیلی زود بیدار میشوم کارهایم زیاد هستند.

.....
۸. امروز چتر بردارید. امروز حتماً باران میبارد.

.....
۹. دیشب پیش مادر بزرگ رفتیم دلمان برای مادر بزرگ تنگ شده بود.

.....
۱۰. استاد از او عصبانی شد. چون تکلیف هایش را ننوشته بود.

.....
۱۱. بچه دوست نداشت از خانه بیرون برود. او خسته شده بود.

.....
۱۲. فوتبالیستها دوست نداشتند مصاحبه کنند فوتبالیستها مسابقه را باخته بودند.

.....
۱۳. همه داشتند از مسافرت برمیگشتند تعطیلات تمام شده بود.

.....
۱۴. خیابان اصلی شهر خیلی زیبا شده بود مردم شهر را تزیین کرده بودند.

.....
به منظور به خاطر / باهدف در جهت

حروف اضافه به منظور به خاطر با هدف در جهت انجام شدن فعل یا کاری را نشان می‌دهند.

نمونه: این شهر را ترک کردم میخوام به شهر بزرگ تری بروم.

- به منظور/ به خاطر/ با هدف/ در جهت رفتن به شهر بزرگتری این شهر را ترک کردم.

تمرین

مانند نمونه ی بالا جمله های زیر را با استفاده از حروف اضافه ی به منظور با هدف به خاطر در جهت دوباره بنویسید.

۱. او به دانشگاه میرود. او میخواهد زبان جدیدی یاد بگیرد.

۲. بچه ها در باشگاه فوتبال ثبت نام کردند آنها میخواهند فوتبال یاد بگیرند.

۳. او صبح زود خانه را ترک کرد. او میخواست به دانشگاه برود.

۴. ما دیشب به دوستهایمان تلفن کردیم ما میخواستیم با دوستهایمان قرار بگذاریم

۵. ما دیروز به موزه ی ایران باستان رفتیم ما میخواستیم موزه ی ایران باستان را ببینیم.

۶. می خواهم به گل فروشی بروم تصمیم دارم برای مادرم گل بخرم

۷. باید کارهایم را زود تمام کنم میخواهم به مسافرت بروم

۸. استاد خیلی زود از دانشگاه رفت. او میخواست به سمینار برود.

۹. دانش آموزان باید برنامه ریزی کنند آنها میخواهند در کنکور شرکت کنند.

۱۰. دوستانم به بازار بزرگ تهران رفتند. آنها میخواستند از بازار بزرگ تهران خرید کنند.

۱۱. همسایه مان ساختمان قدیمیشان را خراب کرد او میخواهد ساختمان جدیدی بسازد.

۱۲. پلیسها به دزدهای بانک شلیک کردند آنها میخواستند دزدهای بانک را دستگیر کنند.

۱۳. پدر و مادر به بچه ها اجازه ندادند از کامپیوتر استفاده کنند. آنها میخواستند بچه ها را تنبیه کنند.

۱۴. وزیر کشور به کشور دیگری مسافرت کرد. او میخواست با رئیس جمهور آن کشور صحبت کند.

اضافه بر علاوه بر به علاوه ی گذشته از

این حروف نشان میدهند که کاری بیشتر و اضافه تر از کار دیگری انجام میشود.

نمونه: تو غذای خودت را خوردی تو غذای دوستت را (هم) خوردی

- تو اضافه بر خوردن غذای خودت غذای دوستت را (هم) خوردی

تمرین

مانند نمونه جمله های زیر را با استفاده از حروف اضافه ی اضافه بر علاوه بر دوباره بنویسید.

۱. دولت امسال به مدرسه ها کمک میکند دولت معلمهای جدیدی استخدام می کند.

.....

۲. من امسال به خانه ی پدر بزرگ رفتم من امسال به شهر قدیمی مان سر زدم

.....

۳. ورزش همه را بانشاط می کند ورزش باعث سلامتی انسان میشود.

.....

۴. ماشینهای کهنه هوا را آلوده میکنند ماشینهای کهنه زیبا نیستند.

.....

۵. جهانگردی به اقتصاد کشور کمک میکند جهانگردی مردم را بیشتر با هم آشنا می کند.

.....

۶. هوای تهران در تابستان گرم است هوای تهران در تابستان خشک است.

.....

۷. شهر کاشان یک شهر تاریخی است. شهر کاشان جاهای دیدنی زیادی دارد.

.....

۸. آنها با هم درس میخوانند آنها با هم در یک خوابگاه زندگی میکنند.

.....

۹. من خیلی دوست دارم با او آشنا بشوم من میخواهم با او به مسافرت بروم

.....

۱۰. ما در کتابخانه دانشگاه ثبت نام کردیم. ما از آنجا کتاب گرفتیم.

.....

۱۱. نور زیاد خورشید برای بدن مفید نیست نور زیاد خورشید باعث بیماری میشود.

۱۲. بازیهای کامپیوتری بچه ها را تنبل می‌کند بازیهای کامپیوتری باعث هیجان زیاد بچه ها میشود.

۱۳. کمک کردن به دیگران مردم را به هم نزدیک میکند کمک کردن به دیگران کارها را آسان

۱۴. خوردن میوهها پوست را شاداب می‌کند خوردن میوهها برای بدن مفید است.

در صورت / به شرط / با شرط

این حروف اضافه نشان دهنده ی شرط بین دو موضوع هستند.

نمونه: من این کتاب را ترجمه میکنم. آنها آن را چاپ میکنند.

- در صورت به شرط ترجمه کردن این کتاب آنها آن را چاپ میکنند.

تمرین

مانند نمونه ی بالا جمله های زیر را با استفاده از حروف اضافه در صورت به شرط دوباره بنویسید.

۱. شما به خوبی درس میخوانید شما در امتحان قبول میشوید.

۲. دولت به روستاییان کمک میکند روستاییان به شهرها مهاجرت نمی کنند.

۳. آشپز غذای خوب میپزد این رستوران معروف تر میشود.

۴. به موقع این کتاب را به من برگردان من آن را به خواهرم میدهم.

۵. واقعیت را به من میگوی من حرفت را باور میکنم

۶. او داروهایش را کامل می خورد. او بهتر میشود.

۷. شما در این اداره استخدام میشوید شما با من همکار میشوید.

۸. آنها زود از اینجا میروند آنها به موقع به محل کارشان می رسند.

۹. او زیاد کار میکند. او حقوق خوبی می گیرد.

۱۰. او سیگار را ترک می کند. او حالش بهتر میشود.

۱۱. همه از لامپهای کم مصرف استفاده کنند مصرف برق پایین می آید.

.....
۱۲. امسال باران زیاد میبارد. مشکل کم آبی نداریم

.....
۱۳. او امسال در دانشگاه قبول می.شود او به سربازی نمی رود.

.....
۱۴. شما زود بیدار می.شوید شما به موقع به اداره میرسید.

.....
با وجود/ به رغم/ علی رغم

این حروف نشان میدهند که کاری بر خلافکار دیگری انجام میشود.

نمونه: باران زیادی بارید درختان هنوز کم آب هستند.

- علی رغم باریدن زیاد باران بارش زیاد باران درختان هنوز کم آب هستند.

تمرین

مانند نمونه ی بالا جمله های زیر را با استفاده از حروف اضافه ی دیا وجود به رغم علی رغم بر خلاف، دوباره بنویسید.

۱. زیاد درس میخوانم موفق نیستم.

۲. به یاد همه هستم وقت ندارم به دوستانم سر بزنم

۳. دوستم از مار می ترسید دوستم دیروز در باغ یک مار را با دست گرفت.

۴. پزشکی در دنیا پیشرفت کرده است. هنوز بیماریهای زیادی در همه جا وجود دارد.

۵. این شهر را دوست نداشتم مجبور شدم در اینجا خانه ای بگیرم

۶. غذاهای حاضری خوب نیستند. او مجبور می شود گاهی از این غذاها بخورد.

۷. شناگران خیلی خوب تمرین کرده بودند اما هوای طوفانی نگذاشت در این مسابقه شرکت کنند.

۸. آنها دوستان زیادی دارند با این حال احساس تنهایی میکنند.

۹. ایران نفت زیاد دارد ایران باید صادرات غیر نفتی اش را زیاد کند.

۱۰. کودکان این مدرسه ناشنوا بودند آنها به خوبی می توانستند موسیقی بزنند.

۱۱. او یک دستش زخمی بود. او به خوبی کار می کرد.

.....
۱۲. او از دوستش آدرس هتل را پرسید او آدرس را فراموش کرد.

.....
۱۳. او به این تابلو خیلی علاقه داشت. او تابلو را به دوستش هدیه داد.

.....
۱۴. آنها کارهایشان خیلی زیاد بود. آنها به من کمک کردند.

.....
۱۵. من این کتاب را خوانده بودم من دوباره این کتاب را خواندم

.....
به جز / غیر از

این حروف یک یا چند چیز یا کار را از بقیه جدا می کنند.

نمونه: این دارو ویتامینهای زیادی دارد این دارو ویتامینهای گروه «آ» را ندارد.

- این دارو به جز (داشتن) ویتامینهای گروه ویتامینهای زیادی دارد.

تمرین

مانند نمونه ی بالا جمله های زیر را با استفاده از حروف اضافه ی به جز غیر از ، دوباره بنویسید.

۱. من همه ی درسهای مدرسه را دوست دارم من درس زبان انگلیسی را دوست ندارم

۲. آنها همه ی مسابقه های ورزشی تلویزیون را میبینند آنها مسابقه ی تنیس را نمی بینند.

۳. شما با همه ی خانواده تان درباره ی این موضوع مشورت کردید شما با خواهرتان مشورت نکردید.

۴. من قبلاً همه ی شیرینیهای این مغازه را خورده ام من شیرینی های یزدی را امتحان نکرده ام.

۵. بیمار با چند پزشک این بیمارستان درباره ی بیماری اش صحبت کرده بود او با رئیس این بیمارستان صحبت نکرده بود.

۶. شما بیشتر کتابهای این کتابخانه را خوانده اید شما کتابهای تاریخ اینجا را نخوانده اید.

۷. ما بیشتر موزه های این شهر را دیده ایم. ما موزه ی «پول را ندیده ایم.

۸. شما باید همهی این اتاقها را تمیز کنید شما فقط نباید اتاق سوم را تمیز کنید.

۹. همه ی کارهایم تکراری شده اند. فقط کتاب خواندن برایم تکراری نیست.

۱۰. در مهمانی دیشب همه ی دوستانت را میشناختم. فقط لیلا را نمی شناختم.

۱۱. همه جا ساکت بود. اتاق بچه ها ساکت نبود.

۱۲. همه ی شهرهای ایران را دیده بودم من به کرمان نرفته بودم

۱۳. همه ی دریاها ماهی و موجودات دریایی دارند دو دریاچه در دنیا ماهی ندارند.

۱۴. همه ی موسیقیها در جشنواره اجرا شدند موسیقی کلاسیک در جشنواره اجرا نشد.

حرف ربط

حرف ربط کلمه ای است که دو کلمه یا دو جمله یا دو عبارت را به هم پیوند میدهد و رابطه ی شرطی، زمانی تقابلی و ... آنها را نشان میدهد.

نقش حروف ربط

حروف ربط از نظر جایگاه و نقشی که در جمله دارند به دو دسته ی حروف ربط وابسته و هم پایه تقسیم می شوند.

حروف ربط وابسته در جمله های مرگی می آیند که شامل دو قسمت پایه و پیرو هستند و این حروف در ابتدای جمله ی پیرو می آیند حروف ربط هم پایه در جمله هایی می آیند که از دو جمله ی مستقل تشکیل شده اند.

به نمونه های زیر دقت کنید

برای این که او را ببینم به سفر رفتم

میخواستم او را ببینم، بنابراین به سفر رفتم

در جمله ی اول «برای این که او را ببینم» جمله ی پیرو است و معنی کاملی ندارد. اما در جمله ی دوم هر دو جمله یعنی میخواستم او را ببینم و به سفر رفتم جمله های کاملی هستند و حرف ربط «بنابراین» برای ارتباط این دو جمله آمده است.

ساختمان حروف ربط

حروف ربط از نظر ساختمان به دو گروه تقسیم میشوند حروف ربط ساده، حروف ربط مرکب تعدادی از حروف ربط ساده عبارت اند از:

و، چون/ زیرا، هم/ نیز، ولی/ اما، یا نه (نه.... نه....) چه/ خواه (چه.....، چه....) پس، تا، که، اگر تعدادی از حروف ربط مرکب عبارت اند از:

به محض این که/ همین که/ به مجرد این که/ درست وقتی که/ درست زمانی که/ فوراً بعد از این که/ هر وقت که / قبل از این که/ بعد از این که/ بدون این که/ به جای این که/ عوض این که/ به عوض این که/ برای این که/ باهدف این که/ در جهت این که/ به منظور

این که/ به خاطر این که/ اضافه بر این که/ علاوه بر این که/ گذشته از این که/ گذشته از این نه تنها ... بلکه در صورت این که / به شرط این که/ به شرط آن که/ به شرطی که/ چنانچه مگر این که/ با وجود این که/ به رغم این که/ هر چند که/ اگر چه به جز این این که/ غیر از که/ آنقدر ... که در حالی که

نکته: بعضی از حروف ربط مرکب و ساده به جای هم می‌آیند و دقیقاً جانشین هم میشوند. مانند: پس، بنابراین در نتیجه و در قسمت تمرینهای حروف ربط ساده به چنین مواردی اشاره شده است.

حال به کاربرد حروف ربط در دسته بندیهای حرف ربط ساده و حرف ربط مرکب میپردازیم.

حروف ربط ساده

و

این حرف ربط، ارتباط دو کلمه یا دو جمله یا دو عبارت هم نقش را نشان میدهد.

حالت فاعلی: علی به خانه رفت.

پارسا به خانه رفت

علی و پارسا به خانه رفتند (در این جمله علی و پارسا هر دو یک کار را انجام

داده اند)

حالت مفعولی: محمد کتاب را برد.

محمد دفتر را برد.

محمد کتاب و دفتر را برد در این جمله دو مفعول داریم محمد دو چیز را برده

است.

حالت فعلی: سارا غذا پخت.

سارا لباس شست

سارا غذا پخت و لباس شست.

در این جمله سارا دو کار را انجام داده است. غذا پختن لباس شستن

حالت متممی: شما به من گفتید.

شما به او گفتید.

شما به من و او گفتید.

ارتباط دو جمله: او به بازار رفت

او سریع به خانه برگشت.

او به بازار رفت و سریع به خانه برگشت.

تمرین

جمله های زیر را با استفاده از حرف ربط دو، در یک جمله بنویسید.

۱. احمد آمد. حسین آمد.

۲. لیلا دفتر را برداشت. لیلا کتاب را برداشت.

۳. شما به مادر تلفن کردید شما به مریم تلفن کردید.

۴. احمد غذا خورد. احمد آب خورد.

۵. شما ورزش کردید. شما کار کردید.

۶. شما غذا پختید. شما ظرف شستید.

۷. آنها از اینجا رفتند. شما از اینجا رفتید.

۸. بچه خندید. بچه رفت.

۹. او برای من نامه نوشت او برای تو نامه نوشت.

۱۰. شما در اینجا زندگی میکردید مادرم در اینجا زندگی میکرد.

۱۱. آنها از معلم اجازه گرفتند آنها از پدر اجازه گرفتند.

۱۲. شما برای من لباس خریدید شما برای او لباس خریدید.

.....
۱۳. آنها بازی کردند. آنها خوابیدند.

.....
۱۴. شما به مدرسه می رفتید. شما کار میکردید.

.....
۱۵. آنها خانه را فروختند آنها ماشین را فروختند.

.....
۱۶. شما دوربین خریدید شما یک تلفن همراه خریدید

.....
۱۷. من به مدرسه رفتم من به بازار رفتم

.....
۱۸. شما درس دادید. شما تمرین دادید.

.....
۱۹. او بچه را برد. او اسباب بازی ها را برد.

.....
۲۰. او گریه کرد. او در اتاق خوابید.

.....
۲۱. آنها درس خواندند آنها زود برگ رگشتند.

.....
۲۲. شما فیلم دیدید شما برای ما تعریف کردید.

.....
۲۳. او کتاب را آورد. او کیف را آورد.

.....
۲۴. آنها رفتند. آنها بازی کردند.

۲۵. شما خوابیدید. شما استراحت کردید.

۲۶. شما پیش استاد رفتید. شما پیش آنها رفتید.

۲۷. ما میوه خریدیم. ما برای آنها بردیم.

۲۸. آنها از در آمدند. آنها به ما سلام کردند.

۲۹. شما کار کردید. شما پول در آوردید.

۳۰. آنها بازی کردند. آنها خیلی خوشحال شدند.

چون / زیرا

این حروف برای گفتن دلیل و علت چیزی استفاده میشوند زیرا در زبان رسمی استفاده میشود)

نکته: حروف ربط مرکب چون که زیرا که از آنجا که به این دلیل که به علت این که به همین معنی هستند

نمونه: چرا آنها آمدند؟

- چون مدرسه تعطیل شد.

تمرین

مانند نمونه ی بالا به تمرینهای زیر جواب بدهید.

۱. چرا او اینجا بازی میکند؟

.....

۲. چرا شما لباس نخریدید؟

.....

۳. چرا شما به مسافرت نرفتید؟

.....

۴. چرا آنها مدرسه را تعطیل کردند؟

.....

۵. چرا آنها بیمار شدند؟

.....

۶. چرا مادر از اتاق رفت؟

.....

۷. چرا او لیوان را شکست؟

.....
۸. چرا استاد دیر کرده است؟

.....
۹. چرا نامه ی شما هنوز نرسیده است؟

.....
۱۰. چرا دوست شما نگران است؟
.....

هم / نیز

از این حرف ربط، زمانی استفاده میکنیم که بخواهیم درباره ی دو موضوعی صحبت کنیم که هر دو به طور مشترک اتفاق افتاده اند.

نمونه

علی کتاب خواند محمد کتاب خواند

علی کتاب خواند محمد هم کتاب خواند

نکته: گاهی برای تأکید درباره ی موضوعی از حروف ربط دو قسمتی هم ... هم... از یک طرف ... از طرف دیگر... - از یکسو از سوی دیگر استفاده میکنیم

نمونه: هم علی هم محمد کتاب خواندند.

نمونه: من کار می کردم. من درس میخواندم

من هم کار می کردم هم درس میخواندم.

نکته: در این حالت اجزای مشترک نوشته نمیشوند و اجزای غیر مشترک نوشته میشوند.

در مثال دوم فعلها مشترک نیستند بنابراین هر دو فعل نوشته میشوند.

اما در مثال بعدی فعلها مشترک هستند و سایر اجزای جمله مشترک نیستند بنابراین اجزای غیر مشترک نوشته شده و از اجزای مشترک یکی انتخاب میشود.

نمونه من کتاب میخواندم من روزنامه میخواندم.

- من هم کتاب میخواندم هم روزنامه

تمرین

(الف) جمله های زیر را با استفاده از حرف ربط هم به یگدیگر ربط دهید.

۱. آنها غذا خوردند. ما غذا خوردیم.

.....

۲. شما به مدرسه رفتید. آنها به مدرسه رفتند.

.....

۳. آنها در این اداره کار میکردند ما در این اداره کار میکردیم.

.....

۴. شما این فیلم را دوست داشتید ما این فیلم را دوست داشتیم.

.....
۵. تو از این خانه رفتی ما از این خانه رفتیم.
.....

.....
۶. او این غذا را دوست نداشت. ما این غذا را دوست نداشتیم.
.....

.....
۷. ما کار داشتیم. شما کار داشتید.
.....

.....
۸. تو صبح زود بیدار شدی ما صبح زود بیدار شدیم.
.....

.....
۹. شما نان خریدید. آنها نان خریدند.
.....

.....
۱۰. ما به موسیقی گوش کردیم شما به موسیقی گوش کردید.
.....

.....
۱۱. ما مغازه را تعطیل کردیم شما مغازه را تعطیل کردید.
.....

.....
۱۲. در این شهر باران بارید در شهر شما باران بارید
.....

.....
۱۳. او در مسابقه برنده شد. تو در مسابقه برنده شدی.
.....

.....
۱۴. من خرما دوست ندارم تو خرما دوست نداری
.....

.....
۱۵. امروز شما کلاس دارید. امروز ما کلاس داریم.
.....

.....
۱۶. او فوتبال بازی میکند ما فوتبال بازی میکنیم
.....

۱۷. شما درس میخوانید ما درس میخوانیم.

۱۸. ما از او خبری نداریم. شما از او خبری ندارید.

۱۹. تو او را ناراحت کردی. من او را ناراحت کردم

۲۰. من برایش توضیح دادم تو برایش توضیح دادی

(ب) با استفاده از عبارت «هم...هم....» جمله های زیر را دوباره بنویسید.

۱. من خوشحال هستم من راضی هستم.

۳. آنها تشنه بودند. آنها گرسنه بودند.

۴. شما نگران بودید شما منتظر بودید.

۵. هوا خوب بود. هوا تمیز بود.

۶. کالاها زیبا بودند. کالاها خوب بودند.

۷. شهر شلوغ بود. هوا گرم بود.

۸. مردم بیکار بودند مردم ناراحت بودند.

۹. مهمانی جالب بود. مهمانی شلوغ بود.

۱۰. ماشین گران بود ماشین زیبا بود.

۱۱. این ورزش سخت بود. این ورزش مفید بود.

۱۲. بچه زیبا بود. بچه دوست داشتی بود.

۱۳. فیلم بد بود. فیلم خسته کننده بود.

۱۴. کتاب جالب است. کتاب مفید است.

۱۵. ورزش مفید است. ورزش لازم است.

۱۶. غذا خوشمزه است. غذا جدید است.

۱۷. او ورزش را دوست داشت. او سینما را دوست داشت.

۱۸. او کار می کرد. او به موسیقی گوش می کرد.

۱۹. ما حرف میزدیم ما کار میکردیم

۲۰. شما تمرین می کردید. شما دوباره می نوشتید.

۲۱. آنها برنده شده بودند. آنها مدال گرفته بودند.

حرف ربط

تقسیم بندی حروف بر اساس معنی و کاربرد

در این قسمت حروف ربط و اضافه ای که در بخش قبل مطالعه شده اند بر اساس معنی و کاربردهای تقسیم بندی میشوند و برای هر کدام ابتدا یک متن نمونه و در ادامه تمرینهایی می آوریم

حروف ربط و اضافه ی زمان

حروف اضافه به محض بعد از پس از قبل از با حروف ربط (وابسته به محض این که همین که به مجرد این که در زبان رسمی استفاده میشود، درست وقتی که درست زمانی که فوراً بعد از این که بعد از این که قبل از این که حروف ربط هم پایه سپس بعد پیش از این قبل از این بعد از آن

متن نمونه

در سالهای گذشته وضعیت مدرسه‌های ایران بهتر شده است در گذشته قبل از این که نمونه مدرسه‌ها ساخته شوند بچه‌ها به مکتب خانه میرفتند مکتب خانه جایی بود که بچه‌ها در آنجا خواندن و نوشتن یاد می‌گرفتند پیش از این بعضی از بچه‌ها بعد از گذراندن چند سال تحصیلی دیگر درس نمی‌خواندند و مشغول کار میشدند اما عده‌ی دیگری بعد از مکتب خانه‌ها با سفر به جاهای مختلف درس می‌خواندند آنها گاهی هم مجبور بودند با درس خواندن کار هم بکنند امروزه به محض این که بچه‌ای در خانواده‌ای متولد میشود، خانواده‌ها به فکر تربیت و تحصیل او هستند معمولاً قبل از رفتن به مدرسه بچه‌ها در خانواده و مهد کودک‌ها آموزش می‌بینند.

همچنین بعد از این که بچه‌ها به مدرسه بروند باز در کنار درس و مدرسه در کلاسهای مختلف آموزشی ثبت نام میکنند بیشتر خانواده‌ها به محض تعطیل شدن بچه‌ها به فکر پر کردن اوقات فراغت بچه‌ها هستند.

تمرین

الف) در جاهای خالی از حروف ربط و اضافه ی مناسب استفاده کنید (از چند حرف
میتوانید در جاهای خالی استفاده کنید).

۱. رئیس بانک دادن وام به کارمند خوب این بانک او را تشویق هم کرد
۲. شما اصطلاحات جدید را حفظ کنید باید معنی آنها را بدانید
۳. مزه ی این غذا خیلی بد بود، من آن را چشیدم این موضوع را فهمیدم
۴. ما بخوابیم اصلاً متوجه بوی گاز در خانه نشدیم.
۵. شما ابتدا ویزایتان را بگیرید..... بلیت بگیرید
۶. شما مقاله تان را آماده کردید آن را برای ما بفرستید.
۷. او در این شرکت سرمایه گزاری کرد توانست کار بهتری پیدا کند.
۸. پدر از خانه رفت مهمانها آمدند.
۹. مردم..... دیدن این برنامه جدید از کارگردان آن تشکر کردند
۱۰. پدر بزرگ می گفت: "..... شب میشود باید همه ی بچه ها در خانه باشند".
۱۱. آمدن مدلهای جدید جوانها از آنها تقلید میکنند
۱۲. الان مردم از وسایل برقی زیاد استفاده میکنند اما از این وسایل زیاد استفاده نمی کردند.

ب) جمله بسازید. مانند نمونه تمرینهای زیر را انجام دهید ترتیب واژه ها درست است.

نمونه: روز گذشته / پدرم / قبل از / آمدن / مهمانها / دو ساعت / مطالعه کردن /

روز گذشته پدرم قبل از آمدن مهمانها دو ساعت مطالعه کرد.

۱. پیشخدمت / قبل از / بیرون رفتن باید صاحب خانه / اجازه گرفتن

.....

۲. این بچه / همیشه / پس از / غذا خوردن دستهایش / شستن /

.....

۳. دیروز / پزشک / فوراً بعد از این که / بیمار / جراحی کردن / خبر سلامتی / او /
خانواده اش / دادن /

.....

۴. هفته ی آینده/ به محض این که / مدرسه ها/ باز شدن/ همه / مدیر جدید / دیدن/

۵. شهردار/ به محض/ انتخاب شدن/ باید/ معاون جدید/ معرفی کردن

۶. سالها پیش/ مادر بزرگ/ قبل از اینکه / خوابیدن ما / قصه / تعریف کردن

۷. آنها/ شب قبل / درست وقتی که / باران باریدن/ پیاده روی کردن

۸. هفته ی بعد /بعد از این که/ دوستانم / اینجا / آمدن / من / همراه آنها/ مسافرت رفتن

۹. ماه پیش/ آنها/ به محض این که/ کشور / ترک کردن این دانشگاه/ ثبت نام کردن

۱۰. معلم ها/ تصمیم داشتن/ به مجرد این که / تعطیل شدن/ باهم/ مسافرت رفتن

(ج) در جاهای خالی از حروف اضافه و ربط مناسب استفاده کنید.

تابستان شده بود و ما تعطیل بودیم تعطیل شدم کارم را در یک مغازه شروع کردم
اصلاً فاصله ای بین تعطیلی و کارم نبود صبح ها از خواب بیدار میشدم به مغازه
میرفتم آمدن صاحب مغازه آنجا را جارو میکردم همه چیز را مرتب میکردم و چای
دم میکردم هنوز هم نمیدانم چرا همیشه صبحها او بد اخلاق بود. آمدن ایراد میگرفت و
غر میزد. خیلی وقتها جواب سلام من را هم نمی داد..... آن همه وقت دیگر عادت کرده
بودم. فقط یاد گرفته بودم..... او می آید برایش چای بیورم و چند دقیقه چیزی نگویم
او هم کمی غر میزد و خوردن چای آرام میشد..... او آرام میشد من هم
مشغول کار میشدم. مرد خوبی بود. تنها ایرادش همین بود او تنها کسی بود که
قبول شدن من در دانشگاه کمک زیادی به من کرد. من هم نتیجه ی امتحانهایم را

میگرفتم پیش او میرفتم و او هم مرا تشویق می کرد. سالها پیش او کار کردم تا این که برای خودم کار مناسبی پیدا کردم و از آن مغازه ،رفتم اما کردن آنجا باز هم برای دیدن صاحب مغازه به مغازه می رفتم و گاهی هم به او کمک می کردم .

حروف ربط و اضافه ی سلبی

حروف ربط و اضافه ی سلبی، حروف زیر هستند.

حرف اضافه: بدون

حرف ربط: بدون این که

متن نمونه

پدر برای من یک دوچرخه خریده بود قرار بود روزهای جمعه با هم برای دوچرخه سواری به پارک برویم خودش دوچرخه سواری بلد نبود او بدون این که به من بگوید دوچرخه ای از دوستش قرض گرفته بود و تمرین میکرد صبح های زود بدون خوردن صبحانه از خانه بیرون می رفت و بعد از یک ساعت بر میگشت یک روز بدون این که او متوجه بشود، من هم از خواب بیدار شدم و دنبالش رفتم پدر دوچرخه را از اتباری خانه برداشت و راه افتاد. خیلی جالب بود! او بدون این که سوار دوچرخه شود فقط آن راه میبرد. پدر به پارک نزدیک شد و شروع کرد به تمرین کردن او خیلی سعی میکرد سوار دوچرخه بشود اما نمی توانست او با دوچرخه همه ی پارک را گشت ولی اصلاً نتوانست از دوچرخه استفاده کند. بعد از یک ساعت خسته شد و به سمت خانه حرکت کرد بدون این که او بفهمد، من وارد خانه شدم و زود روی تختم دراز کشیدم پدر میخواست بدون کمک دیگران دوچرخه سواری یاد بگیرد. باید فکری میکردم با دوستهای مدرسه ام قرار گذاشتیم یک روز در یک پارک نزدیک به مدرسه مان بدون این که پدرهایمان ناراحت بشوند به آنها دوچرخه سواری یاد بدهیم. حتماً پدرهای دیگری هم بودند که دوچرخه سواری بلد نبودند.

تمرین

(الف) در جاهای خالی از حروف ربط و اضافه ی مناسب استفاده کنید.

۱. تمرین ، زیاد نمیتوانیم به خوبی موسیقی بزنیم.
۲. شما به حرفهای دیگران توجه کنید به کارتان ادامه دادید.
۳. گفتن حرفتان به او ، او نمی فهمد که شما به چه چیزی فکر میکنید.
۴. برنامه ریزی نمیتوانیم کارهایمان را به خوبی انجام بدهیم.
۵. شما..... درباره ی این کشور چیزی بدانید به آنجا مهاجرت کردید؟
۶. دانشگاههای خوب از دانشجویان ممتاز پول بگیرند آنها را ثبت نام میکنند.
۷. من چیزی بگویم مادر منظورم را فهمید.
۸. این روزها کسی از اینترنت استفاده کند نمیتواند زندگی راحتی داشته باشد.
۹. دنیا..... جنگ خیلی زیبا و قشنگ است.
۱۰. بیشتر مردم در زمان قدیم..... علت بیماریهایشان را بدانند، از دنیا می رفتند.

(ب) جمله بسازید مانند نمونه تمرینهای زیر را انجام دهید ترتیب واژه ها درست است.

نمونه: روز گذشته / آنها/ بدون این که/ لباس گرم/ پوشیدن/ کوهستان رفتن/

آنها بدون این که لباس گرم بپوشند به کوهستان رفتند.

۱. شما / همیشه بدون این که رنگهای مختلف / استفاده کردن / نقاشی / کشیدن

.....

۲. سال گذشته/ دانشجویان/ بدون این که/ دانشگاه/ کمک گرفتن/ این کار / انجام دادن

.....

۳. هفته ی پیش/ سربازها/ بدون این که/ خانه هایشان/ خبر دادن/ برگشتن

.....

۴. مادر/ همیشه / بدون / سرخ کردن/ مواد غذایی/ غذا پختن

.....

۵. امروزه/ پزشک ها/ بدون/ آزمایش کردن/ خون بیمار / بیمار / جراحی کردن

۶. شما/ بدون /داشتن/ مدرک زبان فارسی/ توانستن / وارد / دانشگاه شدن

۷. کارمندا /این اداره/ هرگز / بدون داشتن / رایانه توانستن/ کار کردن

۸. دوستم / هیچ وقت / بدون / بچه اش / مهمانی رفتن /

۹. شهر/ بدون/ کنترل کردن/ پلیس / حتماً ناامن / شدن

۱۰. شما/ تابستانها/ بدون این که/ کولر / روشن کردن /حتماً/اذیت شدن

ج) در جاهای خالی از حرف مناسب استفاده کنید.

بچه ها معلم جدید ورزش را خیلی دوست داشتند او تازه به این مدرسه آمده بود. یک روز معلم ورزش..... به مدیر مدرسه خبر بدهد وارد مدرسه شد. بچه ها از پنجره های کلاسشان به حیاط نگاه میکردند مرد جوانی با یک کیف دستی و لباس ورزشی و کفش کتانی وارد مدرسه شده بود. او چند دقیقه به حیاط مدرسه نگاه کرد و به داخل ساختمان رفت علی اجازه گرفتن از معلم آرام از کلاس خارج شد و نزدیک اتاق مدیر مدرسه رفت و کسی متوجه بشود، از پشت در به حرفهای مرد جوان و مدیر گوش داد قرار شده بود به زودی مرد جوان در این مدرسه کار کند. او به مدیر مدرسه گفت از دست دادن ،وقت میخواهد کارش را شروع کند. علی خیلی خوشحال شده بود، یادش باشد او دارد پنهانی به حرفهای معلم جدید و مدیر گوش میکند ناگهان از خوشحالی فریاد زد مدیر مدرسه و معلم جدید او را دیدند به خاطر این که اجازه از کلاس بیرون آمده بود تنبیه شد اما با این حال علی خیلی خوشحال بود چون مدت زیادی بود که آنها معلم ورزش نداشتند.

حروف ربط و اضافه ی جانشینی

حروف اضافه: به جای به عوض، در عوض

حروف ربط: به عوض این که در عوض این که به جای این که

متن نمونه

قرار بود مهمانها بیایند هنوز هیچ چیزی آماده نبود مادر به جای این که غذا بپزد داشت. خانه را تمیز میکرد من و بچههای همسایه داشتیم برای نمایش روز شنبه در خانه تمرین می کردیم و همه جای خانه را به هم ریخته بودیم مادر همیشه به جای این که مانع کار ما بشود به ما کمک میکرد و گاهی هم به جای یکی از نقشها بازی میکرد. آن روز هم به جای رفتن به خانه ی خاله در خانه مانده بود و با ما تمرین میکرد نزدیک ظهر بود که یکی از دوستان ما در تلفن کرد و گفت میخواهد به خانه ما بیاید مادر هم به او گفته بود میتواند بیاید. باید خانه را مرتب میکردیم و ناهار را آماده میکردیم مادر گفت: به جای این که نگران آشپزی و غذای ظهر باشیم بهتر است خانه را زودتر مرتب کنیم. ما هم همین کار را کردیم و موقع ناهار به جای غذا پختن در خانه از رستوران محله غذا گرفتیم. غذای رستوران مثل غذای مادر خوشمزه نبود اما ما مجبور بودیم این کار را بکنیم بعد از ناهار هم دوست مادر به جای رفتن به خانه اش پیش ما ماند و برای تمرین نمایش به ما کمک کرد. روز خوبی بود. با کمک مادر و دوستش نمایش روز شنبه به خوبی برگزار شد.

تمرین

(الف) در جاهای خالی از حروف ربط و اضافه ی مناسب استفاده کنید.

۱. پزشک ها میگویند..... خوردن گوشت قرمز از گوشت سفید استفاده کنید.
۲. مردم این منطقه از نفت استفاده کنند از انرژی خورشیدی استفاده می کنند.
۳. شما باید..... حفظ کردن شعرها، معنی آنها را یاد بگیرید.
۴. بهتر بوداتاقهای اداره را رنگ کنند رایانه های جدید برای کارمندا بخرند.

۵. همه دوست دارند. سوار شدن ماشینهای قدیمی از مترو یا اتوبوسهای جدید استفاده کنند.
۶. بهتر است پنجره ها را ببندید آنها را باز کنید.
۷. دیروز خواهرتان..... زنگ زدن به شما به من تلفن کرده بود.
۸. امروز من همکارم به تلفنها جواب میدهم.
۹. چند سال است که.....زباله ها را بسوزانند از آنها دوباره استفاده میکنند.
۱۰. در زمستان بهتر است بخاریها را زیاد کنید در خانه لباس مناسب بپوشید.

(ب) جمله بسازید مانند نمونه تمرینهای زیر را انجام دهید ترتیب واژه ها درست است.

نمونه: دیروز/ تو به جای / ریختن نمک/ غذا/ شکر / ریختن /

- دیروز تو به جای ریختن نمک در غذا شکر ریختی

۱. دولت /تصمیم داشتن/ به جای/ ساختن /کارخانه/ این منطقه/ یک پارک / ساختن

۲. وزیر بهداشت / تصمیم گرفتن/ به جای این که /مدرسه ها/ بازدید کردن/ مهد کودک ها/ سر زدن

۳. مدیر شرکت/ در عوض/ کار زیاد/ کارمندهایش/ مرخصی تشویقی / دادن

۴. در آن دوران/ به جای این که/ اقتصاد کشور/ پیشرفت کردن/ هر روز/ بدتر شدن/

۵. بهتر بودن/ مردم/ به جای این که/ ماشین شخصی / استفاده کردن / اتوبوس/ استفاده کردن

۶. روانشناسان/ توصیه کردن/ به جای این که/ مردم/ مدام/ کار کردن/ تفریح/ هم/ داشتن

۷. چرا /گاهی/ دوستت/ به جای/ تو / تصمیم گرفتن

۸. قبلاً/ پدربزرگ/ دوست داشتن/ به جای /نگاه کردن/ تلویزیون/ رادیو گوش کردن

۹. همه/ ما/ تعطیلات نوروز امسال/ به جای این که/ مسافرت رفتن / خانه ماندن

۱۰. دیروز / ما/ به جای این که/ رستوران رفتن/ خانه/ غذا پختن

(ج) در جاهای خالی از حرف مناسب استفاده کنید.

شهراب به نقاشی خیلی علاقه داشت در روزهای تعطیل..... مثل بقیه ی خواهرها و برادرهایش در خانه بماند و استراحت کند به باغ کوچکشان میرفت و نقاشی میکشید او همیشه چیزهای جالبی می کشید. شهراب خرج کردن پولهای توجیبی اش آنها را جمع میکرد و کاغذ و مداد رنگی و آبرنگ می.خرید خانواده اش هم همیشه او را تشویق میکردند گاهی پدربزرگ به او می گفت:"..... یاد گرفتن نقاشی بهتر است کار دیگری یاد بگیری که بعداً بتوانی با آن پولدار بشوی اما شهراب همیشه به نقاشیهایش فکر میکرد گاهی هم کشیدن نقاشی به موزه های مختلف دانشگاه میرفت و کارهای بقیه ی هنرمندان را از نزدیک میدید و به آنها دقت میکرد بعدها او در رشته ی نقاشی خواند و..... وقت آزادش را برای بیشتر پول در آوردن صرف کند برای بچه های محله شان یک کارگاه رایگان نقاشی ساخت و در آن به بچه ها نقاشی یاد داد.

حروف ربط و اضافه ی علت

حروف اضافه: به علت، به دلیل، به خاطر، در نتیجه ی

حروف ربط (وابسته): به علت این که، به خاطر این که، برای این که، در نتیجه ی این که
حروف ربط (هم پایه): پس، بنابراین، از این رو، به همین دلیل

متن نمونه

خوردن غذاهای گیاهی و پروتئین برای سلامتی انسان خیلی مفید است. به علت این که در گیاهان انواع ویتامینها وجود دارد با خوردن میوه های تازه بدن به خوبی میتواند ویتامینهایی را که نیاز دارد تهیه کند در گذشته در فصل سرما به علت نبودن امکانات مناسب برای نگه داشتن و پرورش گیاهان در فصل سرما مردم بیشتر از گیاهان و سبزیهای خشک استفاده میکردند اما با گذشت زمان و پیشرفت فناوری برای این که همه بتوانند از انواع مواد غذایی در هر فصلی استفاده کنند دستگاههای زیادی ساخته شد. بنابراین الآن در هر فصلی میتوان مواد غذایی فصلهای دیگر را هم خورد و استفاده کرد.

پروتئین و مواد چربی موجود در ماهیها هم برای سلامتی بسیار مفید هستند. به همین دلیل همه ی مردم، مخصوصاً بچه ها و افراد پیر باید از ماهیها و محصولات دریایی بیشتر استفاده کنند.

تمرین

(الف) در جاهای خالی از حروف ربط و اضافه ی مناسب استفاده کنید.

۱. کار کارمندان زیاد شده بود..... شرکت کارمندهای جدید استخدام کرد.
۲.فارسی را بهتر یاد بگیرم معلم خصوصی گرفتم.
۳. امروز روز آخر سال بود بانکها بیشتر کار کردند.
۴. داریم به عید نوروز نزدیک میشویم بازار بزرگ شهر خیلی شلوغ است.
۵. خیلی سریع به خانه برگشتم یادم رفته بود شیر گاز را ببندم.
۶. یادشان رفته بود زباله ها را از خانه ببرند خانه بوی بدی گرفته بود.
۷. او رفتار خوبی نداشت خیلی ها از او ناراحت بودند.

۸. شما وقت شناس نیستید..... کسی دوست ندارد با شما قرار بگذارد.
۹. عطر شما خیلی خوشبو است من هم مثل عطر شما میخرم
۱۰. از شلوغی شهر خسته شده بودم آخر هفته به مسافرت رفتم.

(ب) جمله بسازید. مانند نمونه تمرینهای زیر را انجام بدهید ترتیب کلمه ها درست است.

نمونه: من / دیشب / به خاطر / تمام شدن / درس / یک مهمانی / گرفتن

- من دیشب به خاطر تمام شدن درس یک مهمانی گرفتم.

۱. درسهایتان / بهتر / یاد گرفتن / برای این که / چندین بار / آنها / تکرار کردن

.....

۲. دیروز روزنامه ها / خبر جدید نوشتن به همین دلیل / مردم / خوشحال شدن

.....

۳. دخترم / به سختی / مریض شدن / بنابراین / من چندین روز / مرخصی گرفتن

.....

۴. آنها / دوست داشتن / کارهای جدید / انجام دادن / در نتیجه / خیلی با تجربه / بودن /

.....

۵. دوستم / برای این که / غذاهای چینی / دوست داشتن / بیشتر اوقات / غذاهای چینی /
پختن

.....

۶. سال گذشته / آنها / از این شهر رفتن / به دلیل این که / کار خوبی / این شهر / داشتن /

.....
۷. ما / هر هفته / سینما / رفتن / به دلیل این که / سینما رفتن / دوست داشتن

.....
۸. آنها / همیشه / دیگران / کمک گرفتن / به خاطر این که / کارشان / بلد نبودن

.....
۹. آنها / دیروز / زیاد / کار کردن / بنابراین / امروز / خیلی / خسته بودن /

.....
۱۰. من / به زودی / این کار / ترک کردن / بنابراین / باید / دنبال / کار جدید / بودن

(ج) در جاهای خالی از حروف ربط و اضافه ی مناسب استفاده کنید.

برف زیادی باریده بود..... مدرسه ها تعطیل بودند پدر میدانست من برف بازی دوست دارم..... به من گفت: اگر درسهایت را خوب بخوانی بعد از ظهر با هم یک آدم برفی درست میکنیم..... سرد بودن هوا لباسهای زیادی پوشیدیم و به حیاط خانه رفتیم. ما در یک ساختمان دوازده طبقه زندگی میکردیم..... حیاط خانه مشترک بود. بقیه ی بچه های ساختمان هم برای ساختن آدم برفی بیایند پدر به خانه های آنها تلفن کرد و از پدر و مادرشان اجازه گرفت..... همه ی بچه ها برف بازی دوست داشتند خیلی زود آماده شدند و به حیاط آمدند. هر کسی چیزی با خودش آورده بود یکی از بچه ها یک جارو یکی دیگر هویج برای بینی آدم برفی و دیگری دو تا گردو برای چشمهای آدم برفی من هم شال و کلاه پدرم را آورده بودم..... چند نفری داشتیم آدم برفی درست میکردیم کار زود تمام شد. من هم در آخر کار شال پدرم را به گردن آدم برفی بستم و کلاه او را روی سرش گذاشتم خیلی جالب بود آدم برفی شبیه پدرم شده بود..... تصمیم گرفتیم از این آدم برفی بامزه چند عکس بگیریم سریع رفتیم و دوربینم را آوردیم و همه با هم عکس گرفتیم. آن روز خیلی خوش گذشت من دو تا بابا ،داشتیم یکی بابای خودم و دیگری بابای آدم برفی.

حروف ربط و اضافه ی هدف

حرف اضافه: برای، به منظور، به خاطر، با هدف

حرف ربط: برای این که، به خاطر این که، به منظور این که، با هدف این که، در جهت این که

متن نمونه

فروشگاه های بزرگ این شهر در همه ی روزهای سال شلوغ بودند شهرداری به منظور این که فروشگاههای بزرگ تری در شهر وجود داشته باشند تصمیم گرفت یک سری فروشگاه زنجیره ای بسازد. شهرداری برای ساختن این فروشگاهها زمان زیادی لازم داشت. بنابراین از چند شرکت ساختمانی برای ساختن ساختمان این فروشگاهها دعوت کرد. این فروشگاهها چند ویژگی مخصوص داشتند برای این که خانواده ها با خیال راحت در آنها خرید کنند امکانات مخصوصی هم برای خانواده های بچه دار در نظر گرفته شده بود. در کنار هر فروشگاه یک مجموعه ی بازی وجود داشت که بچه ها در آن بازی میکردند و خانواده ها با خیال راحت خرید میکردند. همین طور به خاطر این که افرادی که ماشین داشتند، برای پارک کردن ماشینهایشان مشکلی نداشته باشند یک پارکینگ رایگان در زیر هر فروشگاه قرار داشت. قرار شده بود این فروشگاهها در شهرهای بزرگ دیگر کشورمان هم ساخته بشوند.

تمرین

(الف) در جاهای خالی از حروف ربط و اضافه ی هدف استفاده کنید.

۱. سالم نگه داشتن محیط زیست همه باید تلاش کنند.
۲. دولت به تولید کننده ها کمک کند مالیات را کم کرد.
۳. استاد دانشجویان جدید را بشناسد، با آنها صحبت میکند.
۴. دولت ترافیک را کم کند باید ساعت شروع کار اداره ها را عوض کند.
۵. شما لاغر شوید باید از غذاهای سالم استفاده کنید.
۶. آنها دیدن حیوانات کمیاب این منطقه به اینجا سفر کرده اند.

۷. نمایشگاه کتاب..... کتابهای جدید را معرفی کند هر سال برگزار میشود.
۸. شما.....چاق نشوید صبح ها پیاده روی میکنید؟
۹. مزه ی این غذا کمی بهتر بشود باید به آن کمی فلفل اضافه بکنید.
۱۰. ما..... کار کردن به این شهر آمده ایم.

ب) جمله بسازید مانند نمونه تمرینهای زیر را انجام دهید ترتیب واژه ها درست است.

نمونه: شما/ به خاطر این که/ جشنهای ملی/ کشور ما/ شرکت کردن / اینجا آمدن؟
- شما به خاطر این که در جشنهای ملی کشور ما شرکت کنید به اینجا آمده اید؟

۱. همسایه تو/ برای/ ماندن / این خانه / باید / قراردادش/ تمدید کردن

.....
۲. شما/ برای این که/ این ورزش/ آشنا شدن/ باید /باشگاه/ رفتن/

.....
۳. دیروز/ امیر/ به خاطر این که/ مادرش/ دیدن/ مرخصی گرفتن

.....
۴. او/ همیشه/ به منظور/ خواندن/ روزنامه/ کتابخانه / رفتن

.....
۵. ما/ به منظور این که / شهر/ زندگی نکردن/ مزرعه ای / این روستا خریدن/

.....
۶. شما/ برای/ آمدن / ایران / چند روز/ مرخصی گرفتن؟

.....
۷. آنها/ برای این که/ ایران/ آمدن/ باید/ ویزا گرفتن

۸. هفته ی پیش / او / برای / خریدن / این دستگاه / شرکت ما / مراجعه کردن

.....

۹. آنها / سال گذشته / با هدف / زندگی کردن / این کشور / اینجا / مهاجرت کردن

.....

۱۰. آنها / برای / زندگی کردن / این شهر / شلوغ / خود / آماده کردن

.....

(ج) در جاهای خالی از حرف اضافه یا ربط مناسب استفاده کنید.

با دامهای درخت حیاط خانه مان کاملاً رسیده بودند هر روز فکر میکردم باید به زودی آنها را بچینم یک روز که از سرکار آمده بودم تصمیم گرفتم..... بادامها را بچینم به بالای درخت بروم.....چیدن بادامها و بالا رفتن از درخت باید لباس مناسبی میپوشیدم. بنابراین اول کت و شلوارم را در آوردم و با یک لباس مناسب به حیاط رفتم..... از درخت بالا بروم یک چهارپایه ی کوچک برداشتم و زیر پایم گذاشتم آرام آرام از درخت بالا رفتم. چیدن بادامها تا جایی که می توانستم از درخت بالا رفتم کارم تمام شده بود. حالا میخواستم پایین بیایم اما هر چه سعی کردم نشد..... از درخت پایین بیایم خیلی سعی کردم اما فایده ای نداشت فکر کردم بهتر است به برادرم زنگ بزنم که زودتر به خانه بیاید اما یادم افتاد که موبایلم در جیب کتم جا مانده است. نمی دانستم چه کار کنم به همین دلیل..... کمک گرفتن از همسایه ها فریاد زدم یکی از همسایه ها صدای من را شنید و به کمکم آمد تا آن موقع نمیدانستم خوردن چند دانه بادام باید آن همه زحمت کشید.